کتابخانه ایران زمین شهر بوفر
Iranzamin Library in Bochum
1986

کارگران جهان متحد شوید!

پیکار

(۱۱۶)

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه نهم شهریور ۱۳۶۰ — بها ۲۰ ریال

سرمقاله

مجاهدین و تاکتیکهای ماجراجویانه

در شرایطی که به بحبوحه اوضاع سیاسی، بحران حاد سیاسی و کشمکش سیاسی فرای موجود، بیش از هر زمانی مسئله تاکتیک های صحیح و سودمندی را که بتواند به تکامل و گسترش مبارزه و مقاومت سودمندی یاری رساند، از اهمیت فراوان برخوردار کرده است، ما شاهد آب موجی از تاکتیک های آشکار سیاسی و انحرافی در جنبش انقلابی روبرو گشته ایم. بی دامنه آن به درون جنبش کمونیستی سرایت کرده است. سرآغاز این سیر و تاکتیک انحرافی، سعی تاکتیک سرور، با توجه به عوارض و پی آمدهای نامطلوب و زیانبار آن، بار دیگر مبارزه ایدئولوژیک با تاکتیک های آشکار سیاسی و خرده بورژوائی و غیرتوده ای را در دستور کار سرورهای آگاه و مسئولیت پذیر قرار داده است. لیکن شاید از ظاهر بر دکه علیرغم شعارهای سیاسی از این تاکتیک ها، انحرافات فوق که توسط نیروهای دیگر اتخاذ شده است، انحرافی است در درون جنبش انقلابی. این واقعیت ما را موظف می سازد که ضمن مبارزه ایدئولوژیک فعال و همه جانبه با این انحرافات در درون جنبش، باید از جنبش انقلابی و مبارزاتی آن و از هسته مبارزه جویانه آن دفاع نمائیم. حمایت کرد طبیعی است که این حمایت طبیعتا به معنی حمایت از سیاست آشکار خواهد بود. با توجه به این نکته طبیعی است که ما هرگز اجازه نمی دهیم که دشمنان انقلاب، رژیم جمهوری اسلامی و زیرپوشش های متحد آن، از این استفاده ایدئولوژیک - سیاسی و اعلامیه تاکتیکی ما به نفع خود بهره جوئی نمایند. رژیم جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

"بهشت موعود" خمینی!

خمینی: باغبان بهشت یا مالک دوزخ؟!

خمینی، در سال ۵۷، زمانی که با شرکت در اول مبارزه با استبداد برخی از خواستهای انقلابی توده ها خود را سرنگون شده و امواج خروشان توده ای سراسر ایران را فرا گرفته بود، از ارتباط آگاهی توده ها و عدم وجود نیروی طبقه کارگر، مبارزات زحمتکشان را به ... مورد نظر و سوی بهشت است. او ... اجتماعی "و" خوشبختی ... دهقان و ... خود را بر روی زمین بنا کرده است:

- در این "بهشت" کارگران ... ها و روستاها صبح تا ... بلکه علاوه بر فقر ... از ۳ میلیون ...

- ... ایران و عراق ... ۲ میلیون ... دست داده است. میلیاردها ... تاسیسات ... حاصل شده است.

بقیه در صفحه ۵

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی، ناقوس مرگ رژیم را می نوازد

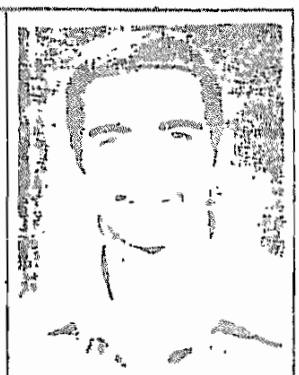

کمونیست پیکارگر رفیق حمید طهماسبی
سرباران بدست رژیم جمهوری اسلامی

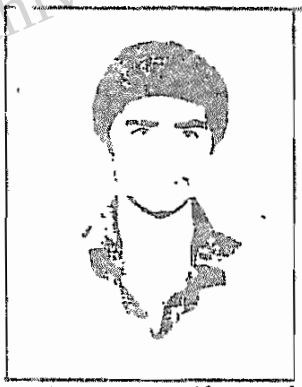

کمونیست پیکارگر رفیق مجتبی درگری
سرباران بدست رژیم جمهوری اسلامی

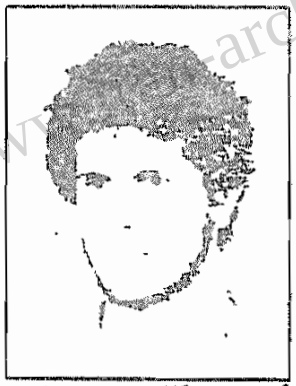

کمونیست پیکارگر رفیق حمید شجاعی
سرباران بدست رژیم جمهوری اسلامی

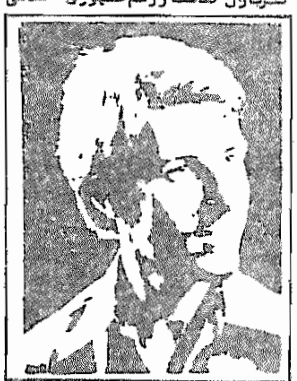

کمونیست پیکارگر رفیق داریوش رضازاده
سرباران بدست رژیم جمهوری اسلامی

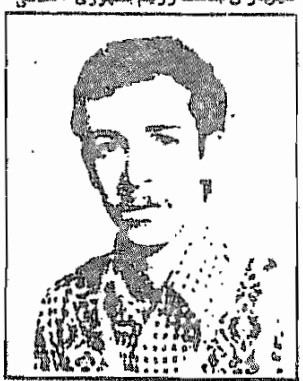

کمونیست پیکارگر رفیق مجید سگهداری
سرباران بدست رژیم جمهوری اسلامی

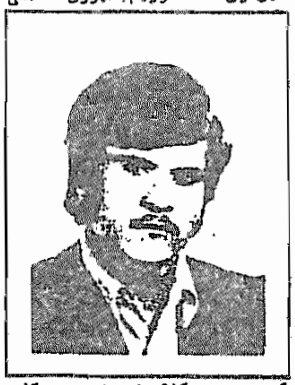

کمونیست پیکارگر رفیق فریدون توکلی
سرباران بدست رژیم جمهوری اسلامی

"حزب توده" و "فدائیان اکثریت" نوکران و جاسوسان جلاد رژیم جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

www.iran-archive.com

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ...

سرسپردگی‌های قوی را تروریست‌هایی مانند موسیگوشندسا سوء استفاده از انحرافات فوق کل جنبش اسلامی را مورد حمله قرار دهند. همچنین رویزیونیست‌های جامعه توده‌ای و اکثریت می‌کوشیدند با اطلاق "آنارشیسم" به این یا آن خط و مشی، نه تنها مبارزه قهرآمیز و مشی اسلامی را بطور کلی به زیر سوال ببرند و آن را سفی نمایند، بلکه حمایت مبتذل اسلامی خویش را از رژیم جمهوری اسلامی حفاظت بخشند و هر گونه مبارزه‌ای را با ارتجاع حاکم تخطئه نمایند. بنابراین اساس روشن است که پرولتاریای آگاه از پیروی دمکرات و سوسیالیست‌های کمونیستی که این مشی انحرافی را در پیش گرفته‌اند در سراسر سیاست و تبلیغات و تبلیغات مبتذل رژیم حاکم و همدستان رویزیونیست آنها حمایت مبتذل و به افشای سیمای این نیروهای ارتجاعی می‌پردازد و مبارزه ایدئولوژیک خود را مبارزه‌ای در درون جنبش خلق قلمداد می‌کنند. ضمن آنکه یک لحظه از فکر مبارزه برای پالایش درون جنبش از انحرافات قوی تا تبدیل شود. با توجه به همین نکته است که ما وظیفه خود می‌دانیم با مشی تاکتیکی آنارشیستی فوق الذکر، به سهم خود به مبارزه برخیزیم. بر مشی توده‌ای و پرولتری پیگیری نموده‌ایم و از برآمد و توسعه این تاکتیک انحرافی و نتایج مترتب بر آن تا حد ممکن جلوگیری نماییم.

■ ■ ■

با وجود بحران سیاسی جامعه، افزایش سطح مبارزات توده‌ها و ریزش شتاب‌آلود توهم آنها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بویژه جناح اصلی آن یعنی حزب جمهوری و نتایج این شتاب بر ابعاد ذهنی توده‌ها در حرکات و مبارزه مستقل توده‌ای، ارتجاع حاکم، بنا بر اساس خود را ناچار دید که به سدید سرکوب و دستگیری روی آورد و سرسپرده را بطور جدی در دستور کار خویش قرار دهد. حرکت رژیم خمینی در مسیر تشدید ارتجاع سیاسی، که بنوا زات تمرکز در قدرت سیاسی به دست حزب جمهوری اسلامی، صورت میگرفت نمی‌توانست با ازتاب مشخصی در جریان طبیعی پیشرفت و تکامل جنبش باقی بگذارد. تعرض رژیم به انقلاب، دستاوردهای قیام و مبارزات توده‌ها و نیروهای انقلابی تشکلی همه جانبه و وسیع، در شرایطی صورت میگرفت که جنبش علیرغم سیر پیش رونده‌اش و علیرغم پیمایش انقلابی درونی آن، در بحث عمده هنوز مراحل ابتدائی تدوین دراطی میکرد. سطح تشکل و سازمان یافتگی مبارزات آنها ضعیف و نازل بود و جنبش علیرغم افت و خیزهای دوره‌ای هیچ درگرگشتی انقلاب و ادامه انقلاب اساسا خصلت دفاعی داشت. در چنین وضعیتی که توازن قوا هنوز به نفع ارتجاع بود، تعرض سازمان یافته و گسترده رژیم، بطور طبیعی در جنبش بصورت یک عقب نشینی موقت بازتاب می‌یافت که البته ماهیت خصلت دفاعی جنبش بیش از پیش مبارزه و ادامه داشت که برای مقابله با این تعرض گسترده و همه جانبه بیک مقاومت همه جانبه دست زند. این مقاومت توده‌ای را هم اکنون ما در همه عرصه‌های جنبش و علیرغم وجود فضای اختناق، سرکوب و کشتار روشن‌تر و عاب‌تر ناشی از آن در جامعه در میان توده‌ها به شکل اولیه خود نشان دهنده هستیم. طبیعی است که نمی‌توان انتظار داشت با این سطح از تشکل مبارزه و جنبش و آگاهی توده‌ها و با این توازن قوای موجود، شاهد بروز و خیزش سریع یکپارچه و گسترده، مقاومت توده‌ای باشیم. لیکن از هم اکنون روشن است که این مقاومت توده‌ای، که تنها نیروی واقعی و بالقوه انقلابی است، در روحیه عمده این نیروها شکل مبارزه و مقاومت می‌یابد و در مشی حرکت آنها تجلی می‌یابد. در چنین شرایطی روحیه و مشی انقلابی و سازمان یافته جنبش و انقلاب و سازمان توده‌ای، جنبش کمونیستی را مبارزه و مقاومت توده‌ای، نیروهای آگاه انقلابی مبارزه مسلحانه با سطح جنبش و مقاومت توده‌ای در مرحله کنونی مخصوصا، و نیروی و ظرفیت خود به کمترین این مقاومت و سازماندهی آن و ارتقاء اشکال مبارزه و مقاومت توده‌ها از سطوح عملی آن به سطوح بالاتر و مدارک برای سرنگونی آن جنبش می‌شود. کار بزرگ و با حجم بزرگ قهرآمیز مبارزه در این شرایط، در مقابل نیروهای مبارزه قهرآمیز عمدتا جریان داشت، نه تنها بهیچ وجه یک تاکتیک منحصر و مناسب با وضعیت جنبش نبوده بلکه حرکت خطرناکی بود که زیانهای و اثرات منفی جدی و بسیار عمیق بر حرکت طبیعی جنبش و سیر تکامل آن باقی میگذاشت. اما علیرغم این ناسنجیدگی تاکتیک مطلحانه در شرایط موجود، سازمان مجاهدین خلق که پرکاری لیبرالها را چنان شفته عطف بایان ناشی "منفرد و عصب" رژیم قلمداد میکرد دست با فروپاشی آخرین بنیانهای توهمات نسبت به حزب در مقابل و سیمای تاکتیک منحصر مسلحانه، در شکل جریکی آغاز نمودند و با کمترین تدریجی این حرکات مسلحانه، با توجه به گسترده‌گی تاکتیکی و توده‌ای خود، فضای جامعه را تحت تاثیر تبلیغات ناشی از این حرکات قرار داده و از این رهگذر لطمات جدی و بسیار عمیق بر پیکر جنبش وارد ساختند.

اینجا رد تعرض مرکزی حزب جمهوری اسلامی، سرآغاز این تعرض مسلحانه بود. این اتفاق علیرغم آنکه مربوط به تشکیلاتی - و هم سیاسی - حکمیتی برای ارتجاع حاکم وارد آورد، و علیرغم آنکه توده‌گشتری را از مدوم شدن تبلیغات جدی و بسیار عمیق بر پیکر جنبش وارد ساخت. لیکن حوادث و عوارض بعدی نشان داد که این عمل تا چه حد تاثیرات زیانبار و نامطلوبی را بر جنبش توده‌ای و در فضای سیاسی جامعه بر جای گذاشته است. تداوم این حرکات و گسترش آن در فضای بحرانی جامعه، همانطور که از قبل قابل پیش بینی بود (مبنا در سرمقاله پیکار ۱۱۳ بدان اشاره کردیم) با تاثیر مشخص بر روند سیاسی جامعه، حرکت تضادها را در مسیر کوری به جریان انداخت که هم اکنون شاهد نتایج و آثارش می‌باشیم.

پیش از آنکه به این نتایج و پی آمدها و آثار حزب و زیانبار تاکتیک مجاهدین بپردازیم، لازم است متذکر شویم که در پیش گرفتن این تاکتیک از جانب سازمان مجاهدین، علیرغم هسته جریکی و رابطه آن با مشی جدا از توده‌ای این سازمان در پیش گرفته است مرتبط است. و درست در همین رابطه است که خط مشی تاکتیکی مجاهدین، در عین خصلت آنارشیستی خود، دارای خصلت کودتاگرایانه نیز هست. این تاکتیک در واقع تا ظرفیتهای مشی ای است که میخواهد "خلع ید" از "حزب" حاکم قدرت، انشقاقی از لیبرالها و دمکراتها را در جهت رجوع یک جمهوری بورژوا لیبرال ها بگزینند سازد. و از همین رو پیش از آنکه متکی بر اراده توده‌های زحمتکش جامعه باشد، هر چند که می‌خواهد اراده توده‌ها را بر سرنوشت جامعه و سیاست اجرائی خود بکشاند، بر نیروی ارتش و عمل و اقدامات درونی آن، و مناسبات سیاسی و دستگاه تک در "بالا" و "نخبگان" و محافل ذی نفوذ در سیاست تکیه دارد. این تکیه اساسی را در سازه خط مشی تاکتیکی مجاهدین و ارائه آن با مشی سیاسی و برنامه عملی آنها در مرحله دیگری مستقلا مورد برخورد قرار خواهیم داد.

و اما در مورد نتایج زیانبار این تاکتیک آنارشیستی:

اولین و پایه‌ای ترین ملاکی که در ارزیابی سیاسی و انقلابی می‌بایست در اتخاذ اشکال مبارزه جویی در نظر داشته باشد این است که آیا این تاکتیک با سطح و موقعیت جنبش تناسب دارد و آیا میتواند عمل برانگیزاننده و سازماندهنده جنبش را داشته باشد و مبارزات توده‌ها را از آنچه که هست و تعمیق بیشتری ببخشد یا نه؟ عملیات مجاهدین و سایر اشکال از آن نشان داد که جنبش توده‌ها در مقطع عملی هیچ وجه زمینه و ظرفیت جذب و هضم تاکتیک‌های قهرآمیز را در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نداشته و ندارد. آنچه که در واقعیت جریان دارد این است که توده‌ها هم اکنون اشکال بارزتری از مبارزه را مجربه میبینند معاف بر اینکه این مبارزه در روند عمومی جنبش در برابر شرعی مدام رژیم دارای خصلت دفاعی است. مشی نیرو و عملیات مسلحانه، مجاهدین، بطور جدی این سیر تکامل طبیعی جنبش را گسسته و با عدالت در آن خلل جدی وارد آورده است. و محصول سیاسی جامعه را از مبارزه میان توده‌های مردم به جامعه مبارزه‌ای که خود بخود جریان داشت و چه مبارزاتی که تحت رهبری نیروهای سیاسی مختلف صورت میگرفت - و ارتجاع حاکم، به محصول مبارزه قهرآمیز و در روی رژیم و مجاهدین تبدیل نموده است. بیش از اینجا مبارزه حزب توده‌ها که ظرفیت پذیرش و جذب این شکل از مبارزه را بهیچ روی نداشت بوجود آورده بودند، در فضای تنگین نیرو و سرکوبی که حاصل تعرض رژیم و بی آمد طبیعی نتایج قهرآمیز رژیم و مجاهدین بود، ناچار دست به عقب نشینی زدند و سپس با دستخوش نوعی گیجی و آشفتگی سیاسی از تحولات جاری گشتند. آنها سوراخ انقلابی خود را از دست داده بودند. کمیته و سنگرهای ارمیان نیز فرسوده بود بلکه تنها بدنامی بود و مقاومت را بطور کلی سرکوب شده بودند. لیکن بطور محسوسی با پدیده‌ای در جامعه روبرو شده بودند که قدرت تحلیل و هضم آن را در شرایط مذکور نداشتند. آنها با خط مشی و حرکاتی مواجه بودند که احساس میکردند بطور ملموس فاصله آنها را از سرنوشت‌های انقلابی فزونی می‌بخشد و رابطه میان مبارزه با نیروها و مبارزه خودشان را قطع مینماید. بطور مثال همین انتخاب حزب علیرغم سرکوبش نارضایتی در میان توده و وسیع ناراضی و کشیده شده از رژیم و حمایت معنوی از آن، احساس سیاسی و هراس آنها را از سرنوشت مبارزه‌ای که آغاز شده است و خود در آن نقش و جایگاهی نداشتند برانگیخت. سرکوب و فضای سرور ایجاد شده در جامعه موقتا آنها را به عقب نشینی وادار نمود. مشی مبارزه توده‌ها، بطور روشن پس از حادثه ۷ شهریور انتخاب حزب، رو به نزول گذاشت و این خود مرتبط

←

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

www.iran-archive.com

از شرایط عمومی ناشی از سرکوب رژیم بطور مشخص از شرایط سیاسی از این حرکت و تاکتیک انحرافی سرچشمه میگرفت. اکنون در پی آمد این حرکات و تداوم آنها، مبارزه توده‌ها عملا تحت الشعاع "وسایل عمومی" مبارزه‌ای قرار گرفته است که مجاهدین میکوشند و متمرکز آنها هستند. آنها در حالیکه خود تدریجا مقاومت توده‌ای بر علیه شعرای رژیم، آغاز میکنند، و این حرکت را بطور خودبخودی انجام میدهند، و در حالیکه هیچ رابطه عمومی میان اشکال مبارزه خویش با شکل مبارزه‌ای که مجاهدین در پیش گرفته است، احساس نمی کنند (و احساس نیاز هم نمیکنند) و در احساس نیاز هم ندارند) بطرف دیگر این مبارزه و در انحصار سرنوشت گذاشتن خود را در آن ذی‌نفع میدانند.

تاکتیک مجاهدین هیچ مناسبت و رابطه‌ای با سطح و کمیت واقعی جنبش توده‌ای و اشکال عینی سرور و حملی آن در شرایط حاضر ندارد. و از این رو به هیچ روی نمیتواند در جهت رشد و گسترش مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی توده‌های مردم و ارتقاء اشکال عملا موجود آن به مراتب و مراحل بالاتر مبارزه قرار گیرد. این شیوه مبارزه اصولا به تحمیل توده‌ها در مبارزه طبقاتی و انقلابی اعتقادی ندارد و هیچ جا بکار و ارزشی در اتخاذ تاکتیک برای آن باقی نمیماند. از همین رو توده‌ها را از عرصه مبارزه دور میکند و ما ابتدا ایده‌ای آنها را به یاس میکشاند و سپس روی زوال انقلابی نهفته در مبارزه آنها را بکار میگیرد. دیگر کون کمیته و کمیت موجود و مقبول انقلابی جامعه است، مبارزه و بها دادن به تمکین توده‌ها را از روی و آگاهی برای سرور و استقرار سرکوب مخرب ما حصه و به مبنی منحرف میگرداند که در آن جا سرور شرور و سبب سرور عملیات محیرالعقول قهرمانان انقلابی، جایگزین سرور شرف و انقلابی توده‌ها میگردد. تاکتیک سرور مجاهدین (و یا بخشا سرور ها) بی از جنبش کمونیستی مجاهد سازمان ج م ک ایران تاکتیک سرور را در شرایط کنونی در پوشش "مبارزه مسلحانه با پدیده‌های سیاه شرور" قبول نموده و مشروعیت میکند. اما در عمل چیزی جز همان حرکات آنارشیستی مجاهدی و شرور را صورت و رژیم و... یعنی همان تاکتیکی که مجاهدین در پیش گرفته‌اند ارائه نمی دهد (وسایل مصرفی مبارزه را با بگزیدن وسایل و اشکال طبیعی مبارزه توده‌ها که خارج از اراده و وسایل ما جریان دارد، قرار میدهد و مطلق است رسوا را جایگزین مطلق مبارزه طبقاتی و ماهیت طبیعی و عینی مبارزه طبقاتی نمیسازد.

در اینجا موجد یک نکته اهمیت دارد. اگر وحدت جامعه یکپارچه‌ای با شدت کنار انقلاب و ضد انقلاب شور و صبح جامعه بلافاصله ضد انقلاب جامعه بیاشد با مدعی اعتلا بوسی در جهت ایجاد نزدیک و نه صدای طولانی مطرح باشد (دقیقا مرابطی چون وحدت جامعه کنونی ما) و احتمال سودای این حرکات در مقطع معینی از رشد مبارزه توده‌ها با آن، وجود داشته باشد و هم صبح و جامعه بیشتر به این معنی داده شده و این معنی معنی در جنبش شرایطی زیاد شیای عینی خویش را بر روند مبارزه توده‌ها برجای خواهد گذاشت.

البته مجاهدین پایین تاکتیک خود را از کنک و نیاز ندارند. آنها با هزار و یک "شاهد" و "نمونه‌هایی" که کمک این تاکتیک مورد "حمایت" توده‌ها است و اکنون "حمایت" از توده‌ها از رژیم سیاسی مختلف دست و "عملیات" بر علیه رژیم آنها را "بر میانگیزاند" و "شور و شوق" را در توده‌ها بر میانگیزاند و پیش

دارد. آری سخن شما (علیرغم اعراق در سیاست هوای موجود در شرایط حاضر که این اعراق کوبی از الزامات سیاسی خط عینی یا کسیکی شما است که درست است. اما اینجا یک مخلط سطور یک وجود دارد. توده‌ها در اکثریت و سیعی از رژیم جنبشی بر پا نشده‌اند و از کردار و اعمال آن کینه و نفرت شدیدی بدل دارند. عملیات مسلحانه بر علیه رژیم، کسر نخست‌ها و عناصر مرتجع و مستمر و عناصر یکتا رژیم، در آنها مادی بر میانگیزاند و جنبی مورد حمایت عمومی و سیعا مادی آنان قرار می گیرد... اما این واقعیت‌ها هیچ رابطه به موضوع اصلی ندارد! آنچه را که شما آگاهانه و یا ناآگاهانه پنهان میدارید این است که عملیات مستقل توده‌ها اکنون هیچ وجه به مدارجی نرسیده است که یا تاکتیک سرور پیوسته عملیات برانگیزاننده و یا رمان دهنده جنبش توده‌ای را داشته باشد. (و نیز آنچه بعنوان یک شکل فرعی مبارزه، و نه شکل اصلی آن که مورد نظر سازمان مجاهدین است.) مارکسیسم و فراسیس علمی مبارزه طبقاتی بر آنست که عنصر آگاه در پی برانگیختن مادی در میان توده‌ها نیست و در پی آن نیست که جنبش از هر عملیات "تحسین برانگیزش" توده‌ها برانگیزاند. علیه سرداران توده‌ها خود برانگیخته می شود و برای برانگیختن، به وسایل مصنوعی مبارزه نیاز ندارد. آنچه یک عنصر توده‌ای خود برانگیخته جنبش توده‌ای برانگیختن جنبش به وسایل مصنوعی مبارزه، بلکه اتخاذ آنچنان روش و تاکتیکی است که بتواند برانگیختگی عینی توده‌ها را جهت رسازمان دهد و اشکال این برانگیختگی را ارتقا و تکامل دهد. تاکتیکی که عنصر آگاه در خدمت جنبش توده‌ای قرار میدهد قبل از هر چیز باید مبتنی بر سطح آنان و نظارت بر ارتقاء آن در بستر روند عینی اش داشته باشد. اکنون کدام وسایل و اشکال مبارزه میتواند نارضایتی و مقاومت توده‌ها را از سطح موجود ارتقاء داده و به مبنی مبارزه فعال تکانه و برانگیختگی مبارزه آنها را که حامل نیازهای متراکم جنبش و سرکوبی و دلاور توده‌ها در همه عرصه‌های زندگی و حیات آنهاست، سمت و سو و تکامل دهد و اهمیت حاکمی از آنست که مبارزه توده‌ها اکنون نه حامل شعر خلقی بلکه دهها و در شکل مقاومت در برابر شرایط ضد انقلابی رژیم را دارا است. این مقاومت در شرایط عملی که یک عقب نشینی موقت بر جنبش تحمیل شده است، علیرغم روند و چشم اندازی رشد سریع و گسترش می پذیرد آن در اشکال نازلی جریان دارد. هر تاکتیکی در هدایت و تکامل مبارزه توده‌ها باید از اینجا آغاز کند. و این مقاومت را در اشکال متناسب جاری آن سازمان دهد و کاملا میکانیا را اشاره توده‌های بیشتر و اشکال این مبارزه را بسرانجام بالاتر ارتقا دهد. اینکه پروسه رشد و تکامل مبارزه توده‌ها متناسب با محتوا و کمیت عینی و ذهنی جنبش توده‌ای کند و یا سریع و پرشتاب باشد بستگی در قرار موضعی آن شیء دهد و کندی و یا سرعت رشد جنبش تا شیء خویش را در آمادگی همه جانبه و تدارک سیاسی - سازمانی و وظایف تشکیلی و تربیتی توده‌ها باقی میگذارد. و کمیت ما همه ما یکونه‌ای است که ضد انقلاب فرا است نتوانست انقلاب را به شکست بکشاند و در آینده‌ای نه چندان دور و با رده موج مقاومت توده‌ها بالا خواهد گرفت. این موج می تنگ در عمق و سطح گسترش یافت و در اشکال مستقل مرکبهای توده‌ای تظاهر خواهد کرد. لیکن هر زمان مقاومت توده‌ها بهیچ وجه از عمق و گسترش کافی برخوردار نیست و نتوانسته و نظرت تحمل شود ۶۰ - شعور ما هی آگاه و مرکز مستقل و سراسری ... نشده است و در چنین شرایطی

بقیه از صفحه ۵ خاطره...

که در مسیر برکشاکش رسد کسانی در جامعه طبقاتی راه می سپرد اما او موفق شده بود به صف پیشروان راه رهایی بخش بپیوندد و آگاهانه خاصه از پرولتاریا بپیوندد و آتش سوسیالیسم در وجودشان شعله ور گشته و از آن پس او موجودی دیگر بود کمونیستی که آگاهانه به کل بورژوازی نفرت می ورزید و می کوشید این نفرت را در کار و مصمم و پرخروش جلوه گر سازد. از همین رو بود که همواره در مواضع کمونیستی که بیانگر آشتی ناپذیری پرولتاریا و بورژوازی بود پشتیبانی می کرد. در کار تشکیلاتی هیچ تعللی را نمی پذیرفت. با همه وجود و سلاح انتقاد و انتقاد از خود را بدست میگرفت و آن را سلاح نابودکردن کوچکترین نشانه‌های انحراف بورژوایی می نمود. و با همین نظر سازنده‌ای در بیشتر دیگر کمونیستی جمع خود داشت.

بالاخره رفیق در سنگر مبارزه علیه خویش، به صف دشمنان پرولتاریا و انقلاب افتاد. پاک ما ساختن اطلاعات رفیق و بسته شدن نشانه‌ها و مسیر حساسه آخرین عباس شاهپای جان بود. بدین سان او به انبوه شهیدان آرمان سوسیالیسم پیوست. کسانی که بدون خود پیشینه‌ها عشق به پرولتاریا و آگاهی به ضرورت نابودی سرمایه‌داری و بنای نوینی جامعه بی طبقه کمونیستی رسیدند و مرگ دلاورانه و پرافتخار - شان با پیشینه جنبی روحی را در دل قلب ما روشن نگاه دارد.

پس از نشانه‌ها و رفیق و در بازگشت به رهبران و رفقایش، ما و روشنایان ما لبخند دست از کار کشیدند و با جنبش خویش را روبی ساخت و جسم آگاهی از جنبش رژیم، با استقلالش ما قصد و سازه‌های ده تحلیل شد. زمانی که رفتارشان با کرفتن دو نفر مومن قنده‌ها مرتبط به سرکوب رفیق که رژیم را جازه داد در بهشت زهرا باشد و تحقیقات با او را داد جنبش با سازمان ها و مرحله مضوحه و آن مناسب بسیار آوردند اما جلادان نمی دانستند در جامعه‌ای چون جمهوری (عباس) در قلب زحمتکشان شعله ور است.

که در پیدایش مقاومت توده‌ای را سازمان و تکامل داد سخن گفتن از "مبارزه مسلحانه" و تاکتیک سرور مبارزه و تاکتیکی که مبتنی بر مراحل تکامل مبارزه عینی توده‌ها و عموما در شرایطی که جامعه در موقعیت انقلابی قرار گرفته است مکانیکی نمیشود (و آن هم قانون شکنانه جنبش پرداز است!) انحراف و اشتباه محض است. تاکتیک سرور در شرایط فعلی به سیاست حمایت مبارزه و انتقاد دهنده مبارزه کارگران و زحمتکشان را ندارد. (که البته شکل هم سوی شکل اصلی مبارزه، جنبش عینی را دارا نیست) بلکه منحصرا در این وظایف اخلال ایجاد میکند. بیشتر جنبش را منحرف شد و بر آن مرتبه وارد میسازد و حرکت جنبش را مختل میسازد. اکنون و پس از گذشت بیش از یکماه از آغاز این حرکات، و با تکیه بر نتایج آن، میتوان بررسی در این عوارض، یعنی حمایت و پیرامون این تاکتیک از نقطه نظر نتایج جنبش و تاکتیک پرولتری بهای و شرح و بر آن انگشت گذاشت. اکنون که انتشارات اولیه، یعنی انتشارات‌های ناشی از فضا در این حرکات در بدو شروع خود، در جامعه سیاسی جامعه ایجاد گردیده بود، اندک اندک فرو نشسته میتوان آنها را و نتایج زیانبار این حرکات را بر جنبش و مبارزه توده‌ها موضوع مشاهده کرد.

با توجه به آنچه در تاکتیک سرور را از نقطه نظر اثرات عینی رسانه‌ها و آن بر جنبش در آغاز توضیح داده شد.

www.iran-archive.com

گزارشی از نخستین مراسم بزرگداشت شهیدان کمونیست

در "آرامگاه بلشویکها"

پدر یکی از رفقای شهید:
گریه نکنید! مردان بزرگی در اینجا خوابیده اند

روز پنجشنبه ۸ مرداد به مناسبت چهلمین روز شهادت رفقا: محسن فاضل، علیرضا رحمانی، قاسم گلشن و... به محلی واقع در پشت گورستان ارامنه اکه در زمان رژیم پهلوی لعنت آباد معروف است! واقع در ۱۲ کیلومتری جاده خراسان میرویم. رژیم بعد از یکماه که از اعدام وحشیانه انقلابیون کمونیست میگذرد سیر اساسی مسئله رسمی خیبش وقشرای محمدگیلانی، "کم شرع رژیم جمهوری اسلامی، شباهت جدا بین رفقا را پشت زهرا دزدیده به محل فوق که از آن روز آرامگاه بلشویکها نامیده شده است منتقل می نماید. رژیم که حتی از نام و وجود کمونیستها وحشت دارد دیوانه وار در تلاش است تا آنجا که ممکن است اجازه ندهد شوده های زحمتکش از چنان باتش با خبر شوند و دستان آلوده بخونش را ببینند. بهمین سبب دست به چنین اعمال شنیعی میزند تا نام خانواده های مبارز رفقا را با سایر توده های خلق قطع نماید و دشمنی های خود را پوشیده نگاه دارد. علاوه بر رفقایی که در سحرگاه ۳۱ خرداد اعدام شدند سایر رفقایی که در روزهای بعد نیز به جوخه اعدام سپرده شدند چون عزیز مفری، طلعت رهنما، بهنوش آذریان، منوچهر اویسی و... نیز بدانجا آورده شده اند. ۱۵۰ رفیقی که در سپیده دم ۳۱ سیر اعدام شدند همچنان با لباس و کفش بخاک سپرده شدند. قبرهای کنده شده آنچنان سطحی است که هنوز بوی تعفن از زیر خاک به مشام میرسد. در حلوی این بیابان که برای دفن کمونیستها استفاده میشود باغ کوچک میوه کاری قرار دارد که ۸ تن از رفقا را حدشان را درست در میان میوه کاری ها بخاک سپرده اند که مورد اعتراض شدید باغبان واقع شده است و از آن پس بگفته اجیرا در همان بیابان بخاک سپرده اند کشاورزان آنجا نسبت به سطحی بودن قبرها و بوی تعفن شکایت میکنند که بعد از آن متداری آهک روی خاکها میپاشند. کسانی که خودشان در رفقا روحشان پاسدارها بوده اند تعریف میکردند که موقعی که جسدها را آورده اند به کسی اجازه ندادند که نزدیک بیایید. جسدها را با لگد می زدند و با توهین و دشنام درون گودالهای کنده شده می انداختند و تکه های بزرگ سنگ را با نفرت هرچه تمامتر بر روی آنها پرتاب میکردند. اعمال رژیم بعد از آنکه مدتی این چنین کینه و وحشت خود را ابراز داشت آنجا را ترک میکنند کشاورزان که حتی تصور دیدن چنین صحنه هایی را نمی کرده اند بر قبرها میروند و با آنجا که از دستشان برمیآمده سنگ و خاکها را مرتب و جابجا میبندند. رژیم با کینه طبقاتی خونخوار اندازش علیه کمونیستها دست به چنین کارهایی میزند تا اعمال رفقا و مسئله قهرمانانه این فرزندان دلیر زحمتکشان، بگوش توده ها نرسد اما اولین کسانی که شاهد مسلم این جنایت بوده اند مستمندان کشاورز پشت زهرا که به پاسداران اعتراض کرده و مورد ضرب و شتم آنها قرار گرفته اند و سپس کشاورزان "آرامگاه بلشویکها" عمل جنایتکارانه پاسداران جهل و سرمایه را محکوم کرده و صاحبنظر که خود میگفتند: "ظلم نمی تواند پایدار بماند!"

خانواده ها مزار بلشویکها را غرق در گلهای سرخ کردند

روی مزار هر رفیق حداقل ۲۰ شاخه گل سرخ کاشته شده بود و رفقا سرود شهیدان و پیکارگران را خواندند منظره باشکوهی بود رفقا با صدای بلند و محکم و با چشمهای پر از خشم سرود خواندند. همسر یکی از رفقای شهید به پرش گفت: "پروپا رفقا برای پدرت سرود بخوان برو برم" پسر رفیق شهید که ۱۰ تا ۱۱ سال بیشتر نداشت همراه با سرکار رفقا می خواند.

پدر یکی از رفقا به خانواده هایی که گریه میکردند روحیه میداد و گریه را نمیکشید: "گریه نکنید می دانید مردان بزرگی اینجا خوابیده اند بیا خیر! "تا به جای گریه کردن با پدرامشان را ادا میدهیم". همسر یکی از شهدا خطاب به او و مرا با دمیکشید "خوش بحالت که اینچنین مردی را ستاده مردی". "صبحتگی پهن خانواده ها بسیار شورانگیز بود آنها یک خانواده بزرگ بودند. همه یک پیکر همه می رفتند و به یکدیگر دلداری میدادند و پیمان می بستند که راه فرزندانشان را ادامه دهند.

خانواده رفقا محسن فاضل و علیرضا رحمانی به اندازه برخی از خانواده های ۱۵ رفیق اعدام شده در ۳۱ تیر تظاهر مجتبی زرگری، مجید نگهداری، رضا حسین - علیخانی، عباس زمانی، قدرت الله قاسمین بخش، حمیدرضا طباطبایی، احسان دادریوش، رضا زاده سر آنجا بودند. پدر مبارز یکی از رفقا دسته های گل را داده به داده روی خاک تک تک رفقا کاشت بود و گلهای سرخ استوار که در باغ دانکان می خورد تکه خود خاص بر مزار رفقا می پاشید تکه سنگهای کوچک بر سر هر یک از قبرها بود که ستاره سرخی بر آن نقش بسته بود و با کلمات کمونیست پیکارگر ... زینت یافته بود. روی سنگی که بر مزار رفیق شهید حمیدرضا طباطبایی بود این جملات دیده میشد.

"مرده ای نمرده است! نه!
زنده ای تا به ابد
کی تو را خلق فراموش کند؟
تو چنین پیچیده لکنده با مرگ
و تمامتن تو
آتش بی پایان بود
بلشویک وار بیا بید چنگید
چه کند با دل چون آتش ما آتش تیر"

خانواده مبارز یکی از رفقای شهید که با دسته بزرگ گل آنجا وارد شدند گلها را تک تک سر خاک یک رفقا میبردند و در تمام مدت از رفقای شهید ستایش میکردند و هنگامی که به مزار رفیق شهرام (که پس از یکسال به گورستان جدید منتقل شده است) رسیدند احترام عمیق خود را به رفیق شهید با بیان جملاتی ساده و صمیمانه ابراز داشتند و سپس نقل فراوان سر خاک فرزندانشان پاشیدند. تمامی خانواده ها حرفها - یی مشترک و خاطراتی شبیه از فرزندان انقلابیشان داشتند. خاطره هایی از پیمان ماندگار آنها به انقلاب و زحمتکشان و اینکه چگونه همه چیز خود را در خدمت انقلاب و مبارزه گذارده بودند و چگونه از آنچنان زندگی که راحتی و آسایش فردی را بدون در نظر گرفتن محرومیت اکثریت جامعه بدنبال داشت دست کشیده بودند و چگونه سعادتی را که بدست می آوردند بدون آنکه در فکر خرید چیزی برای خود باشند برای کمک به سازمان کنار می گذاشتند و چگونه با مشقت فراوان از کارگران و زحمتکشان دفاع میشوند. خواهر یکی از رفقای شهید از رنجها و توهینهایی که مادر سرپرست در مدت زندانش بودن علیرضا متحمل شده بود میگفت. و خانواده مجتبی زرگری از دفاع قهرمانانه رفقا در دادگاه میگفتند که چگونه مجتبی تمام دفاع از آرمان و اهدافش چگونه ماهیت سیستم ضد خلقی و ارگانهای سرکوبش را فاش ساخته است. او که مدتها بعد از قیام بهمن پاسدار بود برای پاسداران حاضر در دادگاه توضیح میدهد که چگونه شما مکانی که اطلاعات از این سیستم را تبول میکنند تا چه زندگی و خانواده هایشان را به سیاه کارگران و زحمتکشان و انقلابیون بفشانند و این سخنان آنچنان تاثیری داشت که پاسداری را بگریه می اندازد. خواهر یکی از رفقای شهید میگفت چرا ما پاسدار این پدر کثیر فرزندانمان را اینجا آورده اند شما راحت باشیم. این بزرگترین افتخار برای ماست. اشهدا تمام عمرشان برای کارگران و زحمتکشان مبارزه کرده اند و حالا سر در گنار آنها (با دست بدکوره ها اشاره میکند) بخاک سپرده شده اند. برادر یکی که چنین نیز هست. در جلسه دفن بیابان کارخانه پیران کیچ قرار دارد و سر را نمیتوانیم اینجا و آنجا کوردهای آجر پیزی به چشم می خورد. رفقای شهیدمان پس از مرگ نیز در جایی بخاک سپرده شده اند که هر روز تا هدفشان علیه کارگران و زحمتکشان میباشند. هر روز صبح که هزاران کارگر برای بدست آوردن لقمه ای نان و پر کردن جیب سرمایه داران به کارخانه سرازیر میشوند و هر غروب که با بدنهای خسته بعد از یکروز تلاش و رنج استثمار به خانه باز میگردند سلام و وداعی با مزار رفقایمان خواهند داشت و با زهم همچنان رفقا در کنار زندگی و رنج و مبارزه کارگران باقی خواهند ماند.

در این پست روزی که پرچم سرخ تمامی کارخانه ها و تمامی کارگران و زحمتکشان را بهم پیوند میدهد و سیل عظیم توده های زحمتکش پیروز با پرچمهای سرخ و دسته - های گل و سرودهای انقلابی یاد و نقای عزیزمان را که در خاکهای کنار کارخانه ها دفن شده است فرزندان شهید انقلابی خویش را زنده نمایید

بدا مباد آنروز و پایدار زندگی و مبارزه رفقای شهید سرودهای "شهیدان"، "یاد یاران" و "ما پیکارگرانیم" را اجرا نمود و محل را ترک گفتیم.

یاد و روح تمامی انقلابیون شهید!
زنده باد انقلاب!
زنده باد سوسیالیسم!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان "در بزرگداشت خاطره این رهنمای شهید و تحلیل از استواری جاودانه های آنها و مبارزه آسان در روزهایی که در پایان آن

بقیه در صفحه ۱۵

آمده است

خاطره کمونیست پیکارگر، رفیق شهید جمپور طهماسبی در قلب زحمتکشان شعله‌ور است

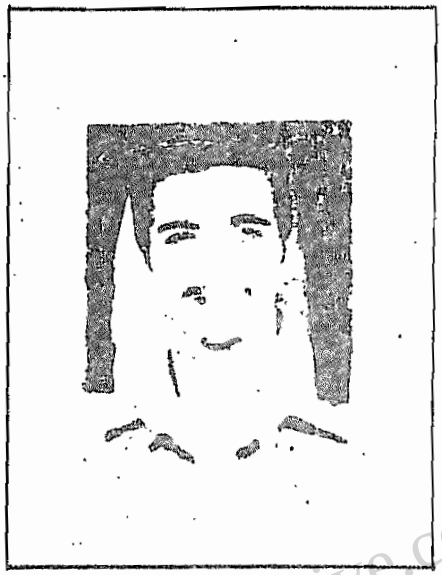

رژیم جمهوری اسلامی همچون هر رژیم سرمایه‌داری دیگر که به سرکوب طبقات تحت استثمار می‌پردازد، از همان روز نخست سخنرانی کینه‌ها را علیه آن دسته سازمانهای انقلابی در قلب جرگه خویش انباشته بود که منادی سرنوشتی ناپذیر طبقاتی بوده‌اند. و لحظه‌ای از فکر نابودی سازمانهای کمونیستی و انقلابی غفلت نداشته و بیش از همه‌جا در ارومیه بروز داشت. و اگرچه سابقه این مدت علیرغم سپاه حماسه‌گاه و پیکار در یورش‌هایی اش وقفه اعتاد، علت را در مجموع سرانجام که ناتوانی رژیم را در سرکوب تعدیدی نمود باید حساب نه در هیچ عامل دیگر.

واکنون پس از ماهها سرپرستی حساب و کتاب، رژیم با خیال عبث خاموش کردن شعله‌های سوزان شرف انقلابی خون آمیز سرازهر زمان به میدان آمده، و در خویشاوندهای خونی که برای اداره حساب و سابقه تشکیلاتی اسخراج ناب خود و عدم صحیح خویش را در این میان ساخته‌اند انگار رسم حدیث را امواج خون رفقای سازمان ما که با آرمان سرخ و سرنوشت آتشی ناشدنی خویش، کشته فشانی فراوانی را در دل رژیم سرانگیخته بود جاری شد.

یکی از این رفقا اینک در کوره حساب رژیم جمهوری شعله‌های آتشی ناپذیری تیرماه سه و وفاداری این از انقلاب همچنان زبانه‌کش است. رفیق جمپور طهماسبی (عباس) است.

رفیق کمونیست پیکارگر شهید "جمپور" که شد شد عضو سازمان ما بود که در هر بار سپاه جمپور حساب سازمان بدان سازمان حلال رژیم در آمد و پس از تحمل شکنجه‌های موحش و درون وسطانی دژخیمان خمینی، وفادار به انقلاب و سرافراز از رمقا و مت دلیر انداش که کسی سنگ آتشی عشق پرولتاریا خاص آن بود، به سیاه زندگی و مرگ شعله‌ای از زندگی و مرگ کمونیستها و کسانی است که رژیم جمهوری اسلامی بدان کشته می‌ورزد. زندگی و مرگی که جز خروش رنجها و محرومیت‌های ستمکشان، جز کوفتگی آرمان زحمتکشان، جز سلسله پیکارها سازمانده در راه‌هایی کارگران و جز انتخاب انتقادی تیرماه بدیر سرانگشت کمونیستی چیزی در آن راه نداشته و نیست که دستمن کارگران و دهقانان و ستمدیدگان را به جنون میکشاند ساز حرص و ولع دندان در سینه‌شان فروکشیده و خون سرخشان را که در آن توفان زندگی و سلطان کمونیستی و نیروی انقلاب می‌توفد سرکشد.

رفیق جمپور (عباس) در سال ۱۳۳۳ در روستای مالنجان از توابع سیاهکل متولد شد. خانواده او یک خانواده دهقانی زحمتکش بود که دیری جامه عمرشان صرف حساب ارباب شده و پس از آن هم روزه روز محروم‌تر گرسنه‌تر، زیر تازیانه‌های سرمایه‌داری، برای به جنگ آوردن لقمه‌نانی تن به کار مشقت‌بار داده‌اند. کودکی او همچون فرزندان همه زحمتکشان دهها سرشته و توأم با گرسنگی گذشت. مادر زحمتکش او ارکان روستا، کارگشته در "بیجار" که محل حصولان زالوان است سرانجام بیماری درگذشت او در دوران دبستان مردما در بزرگترین که در خانه مالک سابق کسار میکرد به لاهیجان فرستاده شد. از همان دوران دبستان و سپاه دوران دبستان خویش و استعداد فراوان او سرور پدر کرد و در سپاه دوران تحصیل صحنه از شریف شاگرد کلاس بود. پس از اخذ دیپلم، رفیق در همان شهر در مدرسه عالی مدیریت به تحصیل پرداخت. رفیق در این سالها علیرغم آنکه تحت تاثیر مشی چریکی قرار داشت لیکن تصور نابودگاهی و خوب یک مرد انقلابی آگاه بود. اما اندک اندک در محیط دانشکده علیرغم آنکه محیط تعالی سود و مدتها جوی شدید اسوزواشی داشت، در رفیق سنخیرانی بوجود آمد. بالاخره او در راه مبارزه‌گام نیا دوراه‌یابان دادن به آسیه سم طبقاتی را که خویش با سوت و کوشت آنرا لمس می‌نمود، در انقلاب یافت. اگرچه هنوز ماجراجویی های انقلابی راسخ در آن سالها در او نمود داشت. او در سال ۵۴ یکی از رهبران اعتصاب ۱۶ آذر مدرسه عالی مدیریت لاهیجان بود. این اعتصاب تاثیری فراوان در شهر داشت و ادامه گرفت. و پس از آن رفیق به عنوان یکی از افراد مورد سوء ظن دستگیر شد و رژیم او را به اجباری گسیل داشت. طی دو سال سرسازی، باز هم رفیق بیشتر در راه انقلاب ایستگاه مدیریت. او در سال ۵۶ پس از پایان خدمت اجباری بدادامه تحصیل پرداخت اندک اندک سهم مبارزه خبر از روش بادهای توفانی انقلاب میداد رفیق جمپور با همه وجود به انقلاب رومی آورد. در نظر او سوده‌های بیجا سنه شهر نقش فعال ایفا می‌نمود. و بیشتر بیش صف تمام تلاشش را در راه هدایت هر حد آتشی ناپذیری امواج مبارزه پیکار مینمود. او همچنین در اعتصاب طویل المدت مدرسه عالی مدیریت در سال ۵۷ در موضع رهبری قرار داشت.

رفیق تحت تاثیر انقلاب از یکسو و برخوردهای منظم‌تر با رفقائی که مشی چریکی را رد کرده و از خط سیاسی - ایدئولوژیک بخش منشعب از س.م.ع.ا. پشتیبانی میکرد و بعدها سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را سنگر مبارزه خویش قرار دادند، و طی مبارزه ایدئولوژیک موفق به مرزبندی با مشی چریکی و رویزیونیسم و قبول تز سوسیال امپریالیسم شد. و در حرکت دانشجویان مبارز برای تبلیغ در کارخانه‌ها قابل از قیام فعالانه شرکت میکرد. رفیق با دیگر رفقا به تکثیر و پخش هر اعلامیه‌ای که از سازمان بدستشان می‌رسید می‌پرداخت و اگرچه هنوز رابطه تشکیلاتی منظم و مستقیمی با سازمان نداشت لیکن رهنمودهای آنرا بکار می‌بست و به تبلیغ مواضع سازمان میپرداخت.

رفیق جمپور در ۲۲ بهمن در تهران بسر میبرد و خود با عشق و شور زایدالوصف در حمله به پادگانها و مقابله با ارتش مسلح شرکت داشت. پس از قیام در دیار لاهیجان برگشت و در برپا کردن شوراهای محلی که به کار تبلیغی می‌پرداخت فعالیت داشت. و ضمنا اعلامیه‌ها و نشریات سازمان را که بدستشان میرسید پخش می‌نمود. رفیق خط زیبایی داشت و بسیاری از درشت‌نویسی هائی که از مطالب منتشره بوسیله سازمان تهیه می‌شد به خط او بود.

پس از چندی با گسترش دامنه فعالیت سازمان، و با گرفتن حوزه گیلان، رابطه مستقیم رفیق با سازمان برقرار شد و از همان آغاز کار او لین پایه سازمان در گیلان، در آنجا کار میکرد. رفیق در همان دوران نقش موثری در مبارزات دهقانی داشت و دهقانان رنجبری که در عمل او را شناخته بودند، صفوش را به دل میگرفتند. پراتیک انقلابی، کار تشکیلاتی و زمینه طبقاتی رفیق، در هر گام، حامل انقلابی اش را صیقل میداد و بیش از پیش او را در زدودن زنگارهای کهن و شکوفائی جوانه‌های کمونیسم یاری می‌رساند. بدلیل لیاقت و شایستگی هایی که رفیق داشت، به درجه کاندیدا عضو سازمان ارتقاء یافت و برای ادامه فعالیت سازمانی به چاپ مرکزی اعزام شد. فعالیت رفیق در این دوران درخشان ترین دوران فعالیت او از نظر رشد سیاسی - ایدئولوژیک و کار تشکیلاتی بوده است. رفیق اکنون بخوبی به اهمیت نقش خویش به عنوان یک کمونیست و مسئولیت سنگینی که بر دوش بود واقف بود. پیکیری و پشتکار در کار سازمانی که با همه وجود در راه پرشر کردن فعالیت سازمانی اش بخرج میداد، و از خلیل رفیق بود بیاد چشمگیری گرفت. او در کار، جانسپارانه میکوشید در کار می از راه پر فراز و نشیب و افتخار آمیز پیکار کمونیستی را در مسیرهایی کارگران و رنجبران هموار سازد. او اکنون چهره درخشان یکی از هزاران کمونیستی را بخود گرفته بود که در تاریخ خونین جنبش کمونیستی جهانی پرولتاریا سرفراز میبردگردند. او ذات و سرشت جدا بافته‌ای نداشت، یکی از میلیونها توده‌ای بود

بقیه در صفحه ۳

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

www.iran-archive.com

بیاد کمونیست پیکارگر، رفیق شهید مجید نگهداری

مجید در حالیکه سراپای وجودش مملو از عشق رهائی زحمتکشان بود، همچون کمونیستی استوار و قهرمان در سالروز تولدش در ۲۳ سالگی بدست مزدوران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی شهید یاران گردید.

یادش زنده و راه سرخش جاویدان باد!

کمونیست پیکارگر رفیق مجید نگهداری همراه با ۱۲ رفیق همرزم خود و سیزده انقلابی مجاهد در روز ۳۱ شهریور ماه بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی شهید یاران گردید.

رفیق مجید در ۲۱ تیر ۳۷ در تهران از درخانواده ای زحمتکش بدنیا آمد. شرایط زندگی او را با دردها و رنجهای زندگی در جامعه طبقاتی آشنا کرد و رفیق آرام آرام به مبارزه سیاسی و انقلابی کشانیده شد. مجید در روزهای پرشکوه مبارزات توده ها در سالهای ۵۶ - ۵۷ با تلاش خستگی ناپذیر در راه رهائی توده ها از ستم سرمایه داری و استثمار فعالیت میکرد و در جریان قیام با جانفشانی توانست مقادیری اسلحه بدست آورد که در احیاء انقلابیون کادر پس از قیام پرشکوه بهمن ماه، رفیق مجید در مبارزات کارگران پیکار شرکت کرد و با اعتقاد به آرمان سرخ طبقه کارگر سمام هم و توان خود را در خدمت رهائی زحمتکشان قرار داد. او در جریان سرکت در مبارزات کارگران پیکار در تهران و قزوین با گروه "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" ارتباط پیدا کرد و به فعالیت انقلابی و کمونیستی این دو بین طبقه کارگر امروز و برای کار آگاهگرانه در میان کارگران تهران در کارخانه نیسان مسئول کار شد اما خاطر محبوبیتی که در اثر پرکاری و تلاشهای فداکارانه و انقلابی در بین کارگران پیدا کرده بود و سپس بدلیل فعالیت هایش از کارخانه اخراج گردید. پس از وحدت گروه مزبور با سازمان ما، در صفوف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مبارزات خستگی ناپذیرش ادامه داد در رفیق مجید در حالیکه سراپای وجودش مملو از عشق رهائی زحمتکشان بود، همچون کمونیستی استوار و قهرمان در سالروز تولدش در ۲۳ سالگی بدست مزدوران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی شهید یاران گردید.

یادش زنده و راه سرخش جاویدان باد!

در کوره های آدم سوزی رژیم خمینی:

کشته میشود که در اعدام و حماسه ۱۵ رفیق کمونیست و دلیرما از فدائیان خلق، احساسی، حسنعلی حاتمی، زرگری و ...) در تاریخ ۳۱ شهریور ماه ۶۰ در زندان اوین، فقط یک پاسدار سپاه اندازه وجود داشته است. حتی رسم جلادان رژیمهای ضدخلقی این است که برای هر فرد اعدامی دو سپاه اندازه وجود داشته باشد تا محکوم سر بیشتر از رنج خلاص شود.

امام تازیانه و داردست شاه خائن هم در این مورد از بیست بیشتر است.

حمایت یک انقلابی مجاهد را به خانواده اش تحویل میدهند. آنها حمایت فرزندشان را به روستای خودشان (در سمال) میبرند. مردم را و استقبال بزرگداشت قابل توجهی عمل میآورند. اما امام جماعت ده از این امر ناراحت میشود و روستائیان را شانه در مسجد جمع میکند و براساس فریبکاریها و شیادیهای خود به روستائیان میگوید که چطور این فرد خاک میشود. از خاک علف میروید و گوسفندان شما از آن علف ها می خورند، شیر گوسفندان را بچه هایتان خواهد خورد و همه صادق میشوند!

روستائیان تا آگاه که تحریک شده بودند به مزار آن انقلابی هجوم برده، جسد را بیرون می کشند و آنرا بدستور آخوند ده تکه تکه کرده در یک گونی میریزند و شبانه جلوی درب خانه پدرش میگذارند. صبح پدر با چنین مساله وحشیانه ای روبرو میشود و چون جائی برای دفن فرزند شهید خود نداشته آنرا در منزل خود دفن می نماید!

رژیم برای بدنام کردن انقلابیون و خوار نمودن افراد تا آگاه علیه آنان، با تمام قوای ارتجاعی و جهنمی خود میکوشد اقدامات وحشیانه ای را به آنان نسبت دهد. رژیم، حتی موفق است به جنایاتی علیه افراد عادی کوچه و بازار می زند و ادعا میکند که این، کار انقلابیون مخالف رژیم است. از اینجا رسمی در خیابان پاستور که منجر به کشته شدن چند نفر گردید از این نمونه است. طبق اخباری که بدست ما رسیده دو ساعت قبل از وقوع انفجار در خیابان پاستور، پاسداران منطقه را کنترل میکرده اند و اجازه نمی دادند که اتومبیلها تا انتهای خیابان بروند رژیم خود، زمینه را برای انجام آن جنایت فراهم میکرده است. این بار دم خروس نه فقط از زیر عبا بلکه از پیکی که در درون یک اتومبیل واقع در خیابان کنترل شده پاستور بیرون زده است. شگردهای رژیم تازیانه و دار یکی و دو تا نیست ولی رسوائی هر کدام از آنها مرگ رژیم را نزدیکتر می سازد.

بقیه از صفحه ۱۱ قیام ...

دوران موفقیت انقلابی بطور عمده جنگ مسلحانه توده ای را مورد توجه قرار داده بودند و آنها را به این منظور متشکل و بسیج کرده، برای پیکار قطعی در لحظه مناسب به نبرد مسلحانه برانگیخت. کمونیستها همواره این دوره ها را بهترین دوران های تاریخ هر جامعه میدانند. مارکسیست لنینیستها در مقطع موقعیت انقلابی و لحظه قیام است که قیام یا جنگ مسلحانه توده ای را اساسی ترین شکل مبارزه توده ها میشناسند و در صورت لزوم حتی پیش از آغاز لحظه قیام، از انجام شورشهای سرخ نیز با نحوه هنگرد. لنین انجام مبارزه مسلحانه را پیش از موقع برای امر انقلاب بسیار خطرناک می داند. لنین در بیماری چپ روی قاطعانه میگوید رسالت پیشاهنگ توده ها تنها به پیکار قطعی جنگ مسلحانه مربوط است مهلک برای امر انقلاب، چرا که بورژوازی میتواند پیش از برآمد کامل جنبش توده ها را از پیشاهنگان انقلابیش محروم سازد. پیش از فرا رسیدن موقعیت انقلابی، با بستن کارگران و سایر توده ها را هر چه بیشتر به مبارزات اقتصادی و سیاسی، اعتصابات، تظاهرات و ... برانگیخت طبقه و توده ها را آگاه کرد و متشکل نمود. طبیعی است آنگاه که طوفان فرا رسد، دوشادوش طبقه و توده ها و پیشاهنگ و رهبر آنها با تدبیر پیش تا حد ودا سین دولتی بورژوازی با شیروی جوشان قهرآمیز انقلابی توده ها در هم کوبید اما سه پیش از این زمان.

بدین ترتیب اگر انقلابیگری خرده بورژوائی نتوانست به تن خود را با دستن جنگ مسلحانه می زد و در نتیجه بجای فعال کردن توده ها، آنها را بطاریکسر زورآزمائیهای خود با دشمن میکشد و بجای آموختن فن مبارزه به توده ها و آگاه کردن آنها در گوران مبارزه طبقاتی، خود بجای آنها میجنگد. کمونیستها جنگ مسلحانه را نیز مانند همه اشکال دیگر مبارزه بصورت توده ای میخواهند چرا که در غیر اینصورت عمل جدا از توده، انقلاب نگوهیده توده ها را در بر خواهد داشت و می دانیم عمل توده ای همانطور که لنین در سخنرانی خود در کنگره دوم کمینترن از آن سخن میگوید حرکتی است که هزاران هزار کارگر و زحمتکش غیرحزبی خواه تحت نفوذ فرامین و یا بطور خودجوشی به آن دست بزنند.

با چنین تحلیلی است که بلشویکها رهبری قیام مسکو در ۱۹۰۵ و قیام توده ها را در مورد به واکتبر ۱۹۱۷ به عهده میگیرند و لنین قاطعانه با سوسیال رولوسیونرهای خرده بورژوا که به انقلاب روسیه در سه مبارزه میکنند و آنها را سازمان دهقانان و خرده - بورژوا هائی می شناسد که تنها نوسانات طبقاتی - شان را نمایندگی میکنند و با چنین تئوری علمی است که کمونیستها در چین و ویتنام و آلبانی و ... توانستند ماشین دولتی بورژوازی را خرد کنند.

* * *

ما درباره تروریزم و تاکتیک و اشکال مبارزه باز هم سخن خواهیم گفت چرا که امر انقلاب، عظیم تر و بسیار مسئولیت تر از آن است که ما تابع آن نیروها غیر توجه که کادر سال نوازشهای بورژوازی، رام و مطیع بدنبالشان روان میشوند و کاه عصبانی و خشمگین بی - توجه به توده ها و سطح جنبش توده ای و آینده انقلاب با آن درگیر میشوند. چرا که اگر پیروزی جنگ مسلحانه توده ها را بر علیه رژیم ارتجاعی کنونی میخواهیم، میبایستی تا درستی تروریزم در شرایط کنونی دریافته به بسیج سیاسی توده ها، تدارک اعتصابات و تظاهرات و بسیج سیاسی بر علیه رژیم ضدخلقی کنونی بپا خیزیم.

www.iran-archive.com

"حزب توده" و "فدائیان اکثریت": نوکران و جاسوسان رژیم جلاد جمهوری اسلامی

سرمایه‌داران برای آنکه استثمار وحشیانه و بی‌حد و حساب خود را ادامه دهند، باید کارگران و زحمتکشان را بفریبند و برای آنکه بهتر بتوانند این هدف ارتجاعی خود را برسند به نوکرانی احتیاج دارند. این نوکران پست و ضد خلق کارگران و زحمتکشان را با سرمایه‌داران خود آشتی می‌دهند و از انقلاب جلوگیری می‌نمایند. این نوکران کدخدایان، نخست‌وزیران، وزرا، کارگران جهان در مورد رویزیونیست‌ها می‌گویند: "این افراد دشمنان طبقاتی ما هستند و به رویزیونیست‌ها و انقلابیون حمله کرده‌اند" (وظایف پرولتاریا در انقلاب ما).

آری، لنین در مورد مارکسیست‌های دروغین یعنی رویزیونیست‌ها، جنایتکار می‌گوید آنان دشمنان طبقاتی پرولتاریا هستند. آنان عمل پست قطرات سرمایه‌داران و رژیم سرمایه‌داری اند که وظیفه دارند کارگران و زحمتکشان را در بردگی سرمایه نگاه دارند. رویزیونیست‌ها اگر چه در حرف صحبت از منافع کارگران می‌کنند ولی آنان فقط و فقط عوامفریبی می‌کنند. آنان در مشی سیاسی ایدئولوژیک و کردار خود به طور کامل نسبت به مارکسیسم لنینیسم و آرمان پرولتاریا خیانت کرده‌اند. به مارکسیستی که رویزیونیست‌ها نه تنها نسبت به سوسیالیسم علمی خیانت کرده و احکام اساسی آن را دور انداخته‌اند، بلکه علاوه در عمل خود در تمام خیانت‌ها به سوسیالیسم علمی پرولتاریا سهیم می‌باشند. تمام رویزیونیست‌ها دستیاران بی‌شرم جلادان طبقه کارگر می‌باشند.

همانطور که مشاهده می‌شود رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال حاکمیت ننگین خود به خصوص در ماه‌های اخیر کارگران مبارز، کمونیست‌ها و انقلابیون بسیاری را به زندان انداخته، به طور وحشیانه شکنجه کرده و تیرباران نموده است. اما در همان این مدت رویزیونیست‌های مزدور حزب توده و فدائیان اکثریت از هر گونه فعالیت در امان بوده‌اند. واقعاً چرا رویزیونیست‌ها تیرباران نمی‌شوند؟ چرا رویزیونیست‌ها تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند و به زندان افکنده نمی‌شوند؟ چرا رویزیونیست‌ها کماکان اجازه فعالیت علنی دارند؟ چرا رویزیونیست‌ها مجاز هستند تا به تبلیغات علنی بپردازند؟ چرا سکلاف ارتجاعی مانند "سازمان فدائیان اکثریت"، "حزب توده" و سازمانهای وابسته به آن مانند "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و ... فعالیت می‌نمایند؟ پاسخ این سوالات روشن است. رهبران رویزیونیست‌ها دشمن زحمتکشان و نوکران رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می‌باشند. امروز تمام توده‌های آگاه تنها نسبت به رژیم منفور حاکم، بلکه علاوه نسبت به رویزیونیست‌های توده‌ای و اکثریتی نفرت عمیق دارند، زیرا آنان در تجربه خود درک کرده‌اند که آنان نه مدافع زحمتکشان بلکه مدافع سرمایه‌داران و جلادان خلق ما هستند. آنان دریافته‌اند که آنان پشتیبان رژیم در قتل عام کمونیست‌ها و انقلابیون و سرکوب انقلاب می‌باشند. در دو ماه اخیر ۲۰۰ کمونیست و آزادیخواه را یعنی توسط رژیم حاکم اعدام نموده‌اند. آیا این امر حاکی از آن است که رویزیونیست‌ها واقع بینند؟ نه هرگز! آنان خود مستقیماً جنایتکاران حاکم در قتل عام انقلابیون می‌باشند. حزب خائن توده و کسانی که مزدورانه از رژیم خواسته‌اند تا کمونیست‌ها و انقلابیون را "سطور قاطع سرکوب و مبلغی" نمایند (پرسش و پاسخ شماره ۶۰). آنها در "پرسش و پاسخ ۴ مرداد ۶۰" درباره اعدام‌های انقلابیون می‌نویسند: "در این جا رجوع به نظر ما است که باید نسبت به افرادی که در این رابطه با زداشت می‌شوند، با سیاست دقیق و طریقه تفکیک مسئولیت و تفکیک جرم و انتخاب شیوه‌های گوناگون مبارزه گرفته شود تا از اتخاذ سیاست مهلکی که به صورت تشکیلات گروهکهای مختلف ذهن این جوانهای وفاداری تجربه را مسموم کرده است، جلوگیری شود. باید به شیوه‌های تربیتی و امکانات بزرگ و اثربخش آن توجه داشت. البته در مورد افراد مسئولی که آگاهانه و با قصد دقیق به مقدسترین کون کردن نظام جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کنند با افراد را تحریک می‌کنند طبعاً باید خیلی جدی روبرو شد و در این مورد ما هیچگونه تردیدی نداریم. در مورد افرادی که در این گروهها به نظر ما باید به شیوه تربیتی و تکنیکی عمل شود".

به بیان دیگر حزب توده مخالف اعدام‌های جنایتکارانه نیست. حزب توده، رژیم حاکم را محکوم نمی‌کند. حزب توده با اصل سرکوب و کشتار کمونیست‌ها و انقلابیون موافق است. لیکن ننگین از "زیاده‌روی‌ها" است که منجر به تضعیف رژیم جلاد می‌گردد. حزب توده می‌گوید که کمونیست‌ها و انقلابیون را تیرباران کنید اما باید "تفکیک مسئولیت و تفکیک جرم" را درست توجیه نمود و باید دست تیروهای مبارز "بهانه" داده نشود زیرا آنها با تبلیغات خود مدعا انقلاب حاکم را تضعیف خواهند نمود. حزب توده هیچ تردیدی در قتل عام آزادیخواهان واقعی ندارد و می‌گوید در مورد افراد کمونیست و انقلابی که به طرز انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند "باید خیلی جدی روبرو شد و در این مورد ما هیچگونه تردیدی نداریم".

برای اعدام "جدی" جنایتکاران حاکم جز ترور و تیرباران فرزندان زحمتکشان چیست؟ آری رویزیونیست‌های "توده‌ای" موافق جدی تیرباران فرزندان خلق توسط ارتجاع حاکم می‌باشند. برای کیست که ندانند امروز حزب توده یک شبکه جاسوسی است که از یک طرف در خدمت سوسیال امپریالیسم عمل کرده و از طرف دیگر به مثابه سازمان اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. کیست که ندانند امروز سرمایه‌داران رژیم حاکم در یک سری امور از جمله سرکوب انقلاب با رهبران مزدور حزب توده مشورت می‌کنند و کیست که ندانند امروز عوامل حزب توده در کارخانه‌ها، ادارات و محلات، کارگران انقلابی و افراد آزادیخواه را لو می‌دهند.

فدائیان اکثریت نیز بارها علناً و به طور غیرعلنی به اعضاء و هواداران خود دستور داده‌اند تا کمونیست‌ها و انقلابیون را شناسائی کرده و آنها را به رژیم لو دهند. فدائیان اکثریت در کنار سایر رویزیونیست‌های خروشچفی بارها متحمانه مبارزه را آزادی و استقلال و سوسیالیسم را به سایر داران سرمایه اطلاع داده و محل مکونت و فعالیت آنان را به رژیم گزارش داده‌اند. آری رویزیونیست‌ها آستانبوسان جلادان و جاسوسان شبکه رویزیونیستی اند. آری رویزیونیست‌های مرتدی که رژیم متحد امپریالیسم را "ضد امپریالیسم" قلمداد می‌کنند و توده‌ها را به حمایت از رژیم سرمایه‌داران فرا می‌خوانند، کسانی که در جنگ ارتجاعی ایران و عراق همانند همه سوسیال شونیست‌های وقیح از بورژوازی خودی دفاع می‌نمایند، کسانیکه بدکاندیداهای مرتجعین همچون رجائی رای موافق می‌دهند، کسانیکه با سداران جنایتکار و دادگاههای فاشیستی رژیم را تائید می‌کنند (همانجا)، کسانیکه جاسوسی کمونیست‌ها و انقلابیون را کرده و آنان را به جلادان حکومتی لو می‌دهند. آری چنین کسانی چرا از حمایت رژیم سرمایه‌داران برخوردار نباشند. رویزیونیست‌ها نوکران سرمایه‌داران و همدستان حکومت جلادها حاکم می‌باشند و همین طرز رژیم اعدام می‌کنند و به زندان انداخته می‌شوند و برعکس آنان می‌توانند علامه‌های خود را آزادانه پخش کنند و تا دیروز روزی بارد "مردم" و "امروز" نشریات فدا انقلابی خود مانند "اتحاد مردم" و "اتحاد"، "جهان زنان" سری "پرسش و پاسخ" ها و غیره را با اجازه دادستانی رژیم جلاد حمیدی منتشر سازند. آنان می‌توانند به تلویزیون بیایند و مصاحبه کنند و علیه مارکسیسم لنینیسم، نیروی مترقی و سلیح سوسیال امپریالیسم سوری را بکنند. آنان می‌توانند اسناد و اقدام کتب ضد انقلابی و رویزیونیستی از ایدئولوگ‌های سوسیال امپریالیسم مانند "سوسنف"، "اولیانوفسکی" و "پونومارف" و ... چاپ کرده و در کنار سوری‌ها و دکه‌های شهر به فروش برسانند و امپریالیست‌های روسی می‌توانند فیلمهای امپریالیستی و منحطی مانند "ماجراهای اداره" را به رژیم سرمایه‌داری مکمل حاکم فروخته و رویزیونیست‌های خروشچفی وطنی می‌توانند راجع به این فرآورده‌های ضد انقلابی و برای فریب مردم آزادانه تبلیغ کنند. بله، در همین زمان که بجرم پخش یک اعلامیه کمونیستی یک رفیق کمونیست تیرباران می‌شود، رویزیونیست‌های مزدور توده‌ای و اکثریتی خروارها نشریات حاوی جز عملیات رویزیونیستی را آزادانه و تحت سایه حکومت اسلامی چاپ کرده و پخش می‌کنند. رویزیونیست‌ها پاداش خیانت خود را از رژیم می‌گیرند. آنان برای قتل عام کمونیست‌ها شورا می‌کنند و رژیم جلاد به آنان اجازه می‌دهد تا با نوشته‌ها و سخنان ضد انقلابی خود مردم را بفریبند. لنین می‌گوید: "سوسیال شوینیسم، اپورتونیسم تکمیل شده است. این جریان برای اتحاد علنی و اکثراً مستقل با بورژوازی و ستادهای ارتش به نضج خود رسیده است و همین اتحاد است که به این جریان نیروی بزرگ و انحصار آزادی بیان و فریب توده‌ها را می‌دهد....

نمایندگان عامل بورژوازی این موضوع را به خوبی فهمیده‌اند. به این جهت است که آنها اکنون از احزاب فعلی سوسیالیست که "مدافعین میهن" یعنی مدافعین غارتگری امپریالیستی در برابر آنها قرار دارند،

←

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

www.iran-archive.com

...

استلور تشریف وتمجید میکنند. به این جهت است که دولتها کاه واگذاری پستها وزارت (...) به بیشوایان سوسیال شوینیست وکاه با دادن امتیاز فعالیت علنی وبلا مانع به آنان (...) آنها را مورد پاداش قرار میدهد". (انترناسیونال دوم)

امروز رژیمی که کارگران مبارز وکمونیستها و انقلابیون را بیرحمانه کشتار میکند، در برابر برخاست رویزیونیستها نسبت به طبقه کارگر به آنها پاداش میدهد. بنابراین اگر حزب توده واکثریتی ها ودیگر عمال بورژوازی توسط رژیم برسمیت شناخته شده و دارای فعالیت قانونی میباشد، امری اتفاقی نیست. این امر حاکی از آنست که آنچه رویزیونیستها انجام میدهند در انطباق کامل با منافع بورژوازی قرار دارد. بورژوازی لقمه ای در برابر سگان خود می اندازد تا آنها بهتر علیه انقلاب پارس کنند. امروز کارگران وزحمتکشان میهن ما در تجربه خود یکبار دیگر درک میکنند که رویزیونیستها دشمنان طبقاتی آنان بوده و افرادرذلی هستند که بر دستان خون آلود جلادان وحمتکشان بوسه میزنند. کارگران و حمتکشان کشور ما یکبار دیگر به صحت قضاوت لنین در باره رویزیونیستهای خاش آلمان پی میبرند لنین گفته بود: "... مقارن با دهه دوم قرن بیستم، در راس حزب کارگری مارکسیستی آلمان که در سطحی جهانی حزب نمونه است، بتدریج از نابکارترین اراذل وپلیدترین دون فطرتان که خود را به سرمایه داران فروخته اند، ارشاید مان وسکه گرفته تا داوید ولژین، این منفورترین جلادانی که از بین کارگران برخاسته وبه خدمت سلطنت وبورژوازی ضد انقلابی کمر بر بسته اند فراگرفتند." (انترناسیونال سوم و مقام آن در تاریخ، تاکیدات از ماست). آری، امروز نیز در حزب توده وسازمان فدائیان اکثریت افرادی با یکاروی مستوری جای دارند که خود را سرمایه داران نزوخته اند وبرای کشتار کمونیستها واقعی وسایر آزادیخواهان توسط رژیم کف میزنند وهورا میکشند.

سیاست طبقه کارگر نسبت به این خائنین به سوسیالیسم چیست؟ امروز طبقه کارگر هرگز نمیتواند حتی یک لحظه در فضای بیرحمانه رویزیونیستها (چه خروشچفی وچه سه جهانی) به مبتاب سوگران بورژوازی گوش دهی کند. طبقه کارگر میداند که اینان جزاردوگاه سرمایه بوده وعلیرغم تمام رنگ ولعابهای "مارکسیستی" جوامر ادمنفوری هستند که به مارکسیسم لنینیسم خیانت نموده اند. طبقه کارگر میداند که اگر چنانچه همین خائنین، پس فردا بقدرت برسند هیچ دست کمی از هیتلر، شاه خائن وحسینی جلاد نخواهند داشت. رویزیونیستها نیز همچون همه شبیه کسانی تاریخ به جلادی طبقه کارگر وکمونیستها خواهند پرداخت. همانگونه که استرسا سیونالیستهای فرمانی چون لیبکنخت ولوگزامبورگ سوسط رویزیونیستهای رذل آلمان به گلوله بسته شدند، همانگونه که امروز همه رویزیونیستهایی که در قدرت هستند به سرکوب وشیانه طبقه کارگر پرداخته وکمونیستها را به زندان انداخته ویا قتل عام میکنند. پس فردا رویزیونیستهای وطنی واز جمله حزب توده وفدائیان اکثریت چنانچه بقدرت برسند به قتل عام کمونیستها را ستین اقدام خواهند نمود.

اما طبقه کارگر اجازه نخواهد داد تا رویزیونیستها بقدرت برسند. طبقه کارگر در انقلابی که در پیش است رویزیونیستها را در دادگاه انقلابی خود به محاکمه کشیده وسزای خیانتهایشان را خواهند داد. طبقه کارگر در انقلابی که در پیش است رژیم منفور ما کستن، بورژوازی ونوکران رویزیونیستش را نابود خواهد کرد. جمهوری دمکراتیک را برپا خواهد نمود وبرور- مندانه بسوی سوسیالیسم پیش خواهد رفت.

یورش کینه توزانه رژیم به کارگران مبارز بندر عباس

(انحلال شورای تخلیه وبارگیری کارگران اسکله بندرعباس ودستگیری اعضای شورا واخراج کارگران)

در تاریخ ۶۰/۴/۱۰ پاسداران چهار عضو شورای تخلیه وبارگیری اسکله بندرعباس ویکنفر دهدار و احتمالا یک نیروی از کارگران را دستگیر وزندانی نمودند وکلیه مدارک ووسایل شورا را همراه با اتاقک سیار شورا - دفتر ومحل شورا - را که در اسکله مستقر بود شناسایی نموده بودند. وپس از انحلال شورا ۶۰/۴/۱۱ ۳۰ نفر از کارگران را اخراج کردند. کارگران پس از اطلاع از جریان فوق روز ۵ شنبه ۶۰/۴/۱۱ (عده ای از آنان) بطرف استانداری راه پیمائی میکنند وآزادی اعضای شورا وتشکیل شورا را خواستار میشوند که نتیجه - ای نمی گیرند. کارگران برای آزادی اعضای شورا چندین بار به دادگاه "انقلاب وسپاه" نیز مراجعه میکنند. اما مسئولین رژیم جواب درستی به آنها نمی- دهند وآخرین حرفی که استاندار به آنها می زند این است که "شورا ول!" - شورا یا شورا - اگر می خواهید میتوانید در شرکتهای تعاونی بصورت پیمانی کار کنید. تاکنون هیچیک از کارگران قبول نکرده اند که در شرکتهای تعاونی کار کنند در این راه کارگران برای پیگیری کارشان وابسته به چه دلیل شورا منحل واعضای آنرا دستگیر کرده اند. یک هیئت ده نفری از کارگران را استخاب وبه تهران فرستاده اند تا امروز (۶۰/۴/۱۹) از نتیجه کار این هیئت خبری به کارگران نرسیده است. کارگران ضمن پیگیری جریان از طریق مراجعه به استانداری و "دادگاه انقلاب" و... منتظر نتیجه کار این هیئت هستند تا تکلیف خود را روشن کنند. فعلا عده ای از کارگران اخراجی برای گذران زندگی دستفروشی میکنند

در حاشیه این خبر توضیح زیر را مفید میدانیم:

چگونگی بوجود آمدن شورا

آن عده از کارگران اسکله که بصورت پیمانی واز طریق پیمانکاران در اسکله کار میکردند وتنها حقوق روزمرد ساب روزها شبکه بارتخلیه میسودند در پاسخ می دانستند در روزها شبکه کالا برای تخلیه سود حقوقی در یافت سعی کردند واز کلیه مزایا وامکانات نیز محروم بودند. این امر تا مدتی پس از قیام نیز وجود داشت. پس از قیام مجلس کارگران مبارز ونیروهای انقلابی کارگران در صدد ایجاد شورا برمی آیند تا بتوانند به خواسته های خود برسند. ضمن مبارزاتی که کارگران داشتند وتکانهائی که بر علیه کارفرمایان نمودند، عده ای از کارگران کمونیست و انقلابی دستگیر وزندانی واخراج شدند- سال ۵۸ - سرانجام کارگران موفق شدند شورا را تشکیل داده و نمایندگانی که از منافع آنان دفاع نمایند انتخاب کنند. شورا توانست از طریق کمکهای کارگران (بعضی حق عضویت)، خود را اداره نماید واز خواسته های کارگران دفاع کند- مجمله پرداخت حقوق ثابت برای تمام روزهای ماه، حق اولاد، حق مسکن وسایر مزایا حتی در مواقعیکه تخلیه کالا وجود نداشت.

رژیم پس از انحلال شورا ۶۰/۴/۱۱ به کارگران پیشنهاد کرده است تا در شرکتهای تعاونی (معمولا ۹ شرکت تعاونی در اسکله بوسیله رژیم کار میکنند) به صورت پیمانی کار کنند. تا اولا قدرت واتحاد آنانرا در تشکیل شورا از بین ببرد تا بتواند بسیاری از مزایا و حقوق آنان را قطع نماید. ومهمتر از همه دستمزد روزه- ها میشکه کارمنی کنند قطع شود. از آن گذشته بتوانند بدون شورا واقعی در هر زمان که خواست کارگران را اخراج نماید.

در حال حاضر بجای کارگران اخراجی از کارگران ساده افغانی وپاکستانی استفاده میشود. بنظر ما چون کارگران از سطح آگاهی بالائی برخوردار نیستند، امید وار بدکه رژیم به آنان کمک کند وکارگران - اعضا شورا - را که از منافع آنان حمایت میکنند آزاد نماید احتمال پراکندگی وتا پیگیری کارگران زیاد می باشد. وبدون داشتن شورا نه تنها نمی توانند به سر کار برگردند بلکه قادر نخواهند بود برای آزادی نمایندگانشان نیز فعالیت کنند.

سیاه تجمع کارگران را که ناراضی هستند از دور زیر نظر دارد وسعی میکند آنانرا "دست بسر" نماید، چون بیشتر اعضای شورا از پیگیری قاطعی برخوردار نبودند- احتمال از هم پاشیدگی اتحاد کارگران زیاد می باشد ولی در مجموع کارگران به اعضاء شورا اعتماد دارند وهر کدام آرزو میکنند که آنان آزاد شوند. ولی واقعیت امر وما هیت ارتجاع حاکم به آنان خواهد فهماند که بدون تشکل ومبارزه خواسته هایشان نخواهند رسید.

(خبر وتوضیح فوق از طرف رفقای هیئت تحریریه پیکار جلبح، برای ما ارسال شده است.)

سنبه از صفحه ۹ — خطاب به ...

صفوف خود را متمرکز کنید تا بحال خود سقوط ناگزیر خویش را مدتی دیگر به تاخیر اندازد.

هموطنان! شوده های بپا خاسته ایران به انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خود استوار ادامه میدهند ودر این راه یاری کارگران وزحمتکشان و نیروهای کمونیستی وانقلابی ومترقی وجنبش های رهائی بخش ملی در پا رچوب یک همبستگی انترناسیونالیستی برای آنان بسیار ضروری است.

به یاری انقلابی ایران بشتابید ودست خلقهای ایران را در واژگونی رژیم آدمکش جمهوری اسلامی خمینی بفشارید.

مرگ بر امپریالیسم وارتجاع!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

برقرار باد همبستگی بین المللی کارگران وزحمتکشان جهان!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق در ایران!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۵/۳۱

خطاب به:

کارگران و زحمتکشان سراسر جهان
نیروهای کمونیست و انقلابی و مترقی سراسر جهان
خلقهای تحت ستم و جنبش های رهایی بخش سراسر جهان

همرزمان!

این ماه سرشار از درسها کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست ایران است. درسهایی که از خلقوم خون گرمشده میدان بی سابقه مردم ما میجوشد. درسهایی که از زندانهای قرون وسطائی و میدانهای تیرکه رژیم خمینی در سراسر میهن ما و در هر گوشه و کنار این کشور برپا کرده است همچون شعله ای سرخ زبانه میکشد.

همانطور که صدها سند و نوشته های زحمتکش میهن ما پس از سالیان دراز تحمل انواع ستمهای طبقاتی و ملی و پس از ستمدیدگی راههای گوناگون مبارزات انقلابی سرانجام رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن را در بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) سرنگون کردند.

انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی توده های زحمتکش ما در نتیجه رادیکالیزه شدن مبارزه که بسیاری از نیروهای انقلابی و کمونیستی در سرزواری مرتبه بسیاری از سکتارها و امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی از طرف دیگر موجب گرفت تدریجا سیاست رژیم جمهوری اسلامی افتاد. خمینی که با فریبکاریهای بسیار تحت پرچم استقلال و دفاع از احساسات و عواطف مذهبی توده های بیآگاه میکوشد با ماسک انقلابیگری زمام امور را بدست گرفت و در همه زمان گذشته و با سیاستهای حاکمیت جدید سعی شد رژیم ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی خود را بیش از پیش نشان داد.

با احیا و یاری سرمایه داری وابسته و انعقاد قراردادهای شرم آور با امپریالیستها (منجمله قرارداد یک میلیارد دلاری با شرکت اسکلمبرژ تالبوت، خریدهای کلان اسلحه از آمریکا و اسرائیل و کره جنوبی مقدم بر بیش از ۲ میلیارد دلار در حاشیه ارزی ایران به سازمانهای آمریکائی بدارای حل مسئله گروگانها و...) هیچ اثری از شعار "استقلال" که در راس خواستهای توده های انقلابی ایران بود بجا نماند (که با توجه به ماهیت ارتجاعی رژیم بسی نوشت بیجا بود).

با سرکوب آزادیهای دمکراتیک که توده های ما بعنوان حق ذاتی خود تا قبل از سقوط و واژگون کردن رژیم شاه بدست آورده بودند، با سانسور ها و کشتارعام دهکده های کردستان که با دادآوری سازمانهای اسرائیل در جنوب لبنان و کشتار جلیل فلسطین در دهکده های دیر یاسین و کفرقاسم است، با دستگیریهای بی حساب نیروهای کمونیستی و انقلابی و مکتبی و اعدامهای بی محاکمه آنان، با کشتار دستجمعی کارگران در دزفول و... با هجوم به خانه ها و شبیخون شب و لباس عاریان در خیابانها، با راه انداختن سنگینترین عقاب درون و سطائی و اجرای احکام بر اساس داشتن عقیده های مخالف با سران جمهوری اسلامی، با این فجایع و نابسامانی هیچ اثری از دو مین شعار توده ها که "آزادی" بود باقی نماند.

خمینی که در تمام آن سرجم "حمایت از مستضعفان" (مستضعفین را بر اساس بود و توده های ناآگاه را شیاد اندیشه زیر قبای اسلام و معتقدات دینی فریفته بود) بدآنان چنان وانمود کرد که در دوره "جمهوری اسلامی" همان رژیمی است که داروی دردهای توده هاست، طی ۲/۵ سال حاکمیت خود نشان داده است که کشور ما را به فجایعی کشانده است که "دادگاههای" رژیم خمینی تنها طی یکماه و نیم گذشته در بیش از ۲۰۰ تن از نیروهای انقلابی و کمونیست را که هر یک شعرها تلاش انقلابی توده های ما بوده اند به جوخه اعدام سپارد. روزی که خمینی مدایران سازگشت طی سخنی بر مزار شهیدان دوران انقلاب علیه رژیم گفت: "رژیم شاه فقط کوروستانها را آباد کرد" ولی در مورد خودش کافی است بگوئیم اکثر کوروستان عمومی شهران تنها ۱۷ قطعه داشت هم اکنون پس از ۲/۵ سال به ۸۷ قطعه رسیده است. رژیم ایران با حمایت و کمکهای خود روی رژیم شاه خائن، روی رژیم پهلوی تکیه درشیلی و روی آدمکشان نازی را سفید کرده است. در ایران طی قوانین جدید هر گونه رابطه با سازمانهای انقلابی و کمونیستی، هر گونه کمک مالی و تدارکاتی، هر گونه اطلاع داشتن از افراد انقلابی و مطلع نکردن رژیم از آن، مجازاتش مرگ است. در کجای دنیا کودکان ۱۲ و ۱۳ ساله را بجرم در دست داشتن اعلامیه ای اعدام میکنند؟ کجای دنیا خواهر و برادر یک انقلابی را بجرم انتساب به خانواده یکی بها و به جوخه اعدام می سپارند؟ در ایران هیچگونه مخالفتی با رژیم حتی در فکر و عقیده مجاز نیست. هیچ شهروندی، هیچ روز و ساعتی هیچ شخصی از افرادی که مواضع رژیم مستبد و مجازاتش حتی در حد داشتن و خواندن نشریه ضد اعدام است. ایران رژیم صریحا اظهار میدارد که بجای یک کوروستان ۶ کوروستان ایجاد خواهد کرد کجای دنیا مرتجعان و مع میکنند که هر کس در مطالعات حمایتی شرکت کند و دستگیر شود مسئول او را کشته و سرانجام کجای دنیا بجرم اعدام میکنند؟ بسیاری از انقلابیون را که در درگیری با نیروهای ارتجاعی مجروح شده بودند روی تختها سمارستان اعدام کرده اند.

رژیم برای توجیه این جنایات ۲۴۰ تا ۳۰۰ تا دستگاههای رادیو تلویزیونی، صدها و صدها روزنامه و نامه های دولتی را از سطح علیه نیروهای انقلابی و وارد کردن انواع سمپاشی ها و دروغها بر مردم آسان پر میکند. رژیم در خالی از مبارزه با آمریکا و اسرائیل دم میزند و از زندانیان ابرلندی با اصطلاح حمایت میکند که خود با کشتار کمونیستها و انقلابیون هیچ دست کمی از جنایات آمریکا در ویتنام و سلسلی و حمایت اسرائیل علیه خلقهای عرب ندارد.

کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی سراسر جهان! آنچه تا بحال حتی یک لحظه کمی را سست نموده ماهیت ارتجاعی رژیم را نشان داده اند، ادعاهای پوچ و فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن خمینی است. ادعاهای حمایت از خلق فلسطین و دیگر خلقهای مبارز جهان در پرتو مبارزه برای سرکوب خلقهای منطقه ایران و نیروهای انقلابی و کمونیست آن نیست. جنبش مبارزه آنها در پیش فلسطین که بیش از دیگر جنبش های رهائی بخش مبارزه ایران نزدیک شد

بقیه در صفحه ۶

عمومی نشان میدهد که علیرغم ادعاهای دروغین رژیم دائر بر حمایت از خلق فلسطین نه تنها کوچکترین کمکی به این خلق صورت نگرفت بلکه خرید اسلحه از اسرائیل که ارسال کننده آن تا رسیدن احراز اصحاب آن با سقوط هواپیمای آرژانتینی حامل اسلحه اسرائیل برای حیاتشان برملا گردید ماهیت واقعی این رژیم فریبکار و ضد انقلابی و ارتجاعی را بوضوح نشان داد.

اجرای دو ماهین قرون وسطائی که بر اساس آنها مسئولان افرادی را به جرم ارتکاب جرائمی اندک بدون توجه به شرایط اجتماعی و روانی و نوع جرم، سلاح رد، دست بریده، شکنجه کرده و یا اعدام میشود در ایران امری عادی است. فراسیتی که بر اساس آنها زن مسلمان مرد مبارز، هواسینی که سالها بلکه قرنهاست منسوخ گردیده است. توده های ما حتی تصور افتادن به چنین جهنمی را هنگامی که علیه رژیم شاه مبارزه میکردند به خود راه نمیدادند. توده های زحمتکش ایران در واژگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن، پیروزی انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خویش را آرزو داشتند. انقلابی که راه را برای رهائی واقعی کارگران و زحمتکشان و برقراری سوسیالیسم بگشاید.

اوضاع زندگی میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان میهن ما روز بروز بدتر شده است. هم اکنون از ۳۵ میلیون جمعیت کشور قریب ۳ میلیون بیکار و ۲ میلیون آواره جنگی وجود دارد. اجرای قطعنامه کار کارگران از کارخانه ها، مصرف تعدیل کوپنها کارگران را شدیدا فرار داده است. کرامت انسانی سرین لوازم زندگی که کاسه صبر را سرریز و اوج درد و رنج زحمتکش و متوسط جامعه ما است بسیار است. دو سال است که دانشگاه ها تعطیل اند و تحصیل کردگان و روشنفکران با ارکشور فرار کرده اند. بسیاری از کارگران بیکار شده اند. دانشمندان علمی و هنر تعطیل است و استعدادها و ابتکارهای فرزندان علمی خود را بنفع سیاستهای رژیم بیدکار رانده است.

ما خطاب به شما کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی سراسر جهان اعلام میکنیم که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هم اکنون در سرکوب انقلاب ایران، از رژیم شاه کوی سبقت ربوده است.

ما شما را به یاری خلقهای ایران فرا میخوانیم. ما از شما می خواهیم که در تحقیق آرمان واحد مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع در سراسر جهان مبارزه زحمتکشان ایران را در خط مقدم مورد توجه قرار داده و فریادهای ما را در دنیا منعکس کنید. رژیم خمینی دشمن خلقهای ایران است. رژیم ایران علیرغم فریادهای فریبکارانه ضد آمریکائی و ضد امپریالیستی این دست در دست آنها علیه خلقهای ایران و جهان توطئه میکند. رژیم ایران سرمایه داری وابسته را در ایران یاری کرده و میکند. رژیم ایران با حمایت خود کوی سبقت را از رژیمهای پهلوی، سوهارتو، سومسی و... ربوده است.

هم اکنون توده ها نسبت به خمینی و رژیم جمهوری اسلامی بسیار فریب خورده است. شرایط عینی ما روز بروز بدتر میشود و ادعاهای و حمایتهای رژیم به تنها از ادعاها و حمایت توده ها از آن کاسته بلکه بتدریج به اعتراض مفاهیم کشیده شده است. روز افزون روحیه و مقاومت انقلابی توده ها علیه رژیم و خمینی ضد ریم از دیگری انقلاب [illegible]

بقیه از صفحه ۱ "سیاست ..."

- دو سال و نیم است که جنگ و سرکوب در کردستان ادامه دارد و خمینی مدعی شده است با سرباز، سپاه پاسداران در روستاهای کردستان حضور دائمی دارند و حمله به شهرهای کامیاران، سنندج، ... را به شکست روستاهای دمکراتیک و کنترل نیم کشور را به سلطه خود در آورده است. اما در سراسر کردستان هنوز ارتش سپاه پاسداران جهل و سرمایه مستقر است. خمینی و بنی صدر در کنار خورسان و بلوچستان سرکوب را شکل دیگر وجود داشته است.

- سیاست موعود خمینی، سیاست سرمایه داران و بخارا است که در سال گذشته سیاست در بخش خصوصی ۱۲۰ میلیارد تومان سود بردند. سیاست زمینداران بزرگ است که از سرکوب جمهوری خمینی سود بسیار برده و راکد در خزانه تمام شده است و روستاهای مصادره شده سود را رسیده کنند.

- در سیاست موعود "سیاست موعود" خمینی، تمام احساس خدمت را برده و در حزب کارگران و زحمتکشان به میراث ارجمند سال سپری گشته است.

- در سیاست موعود خمینی بدانشگاه و آزمایشگاه و کتابخانه و تحقیق و تحت نظر و ضرورت و تکنیک پیشرو بسیاری سیاست زیر اعلام و ضرورت مسلمان "قابل آدم" است! و ما شاهد آن دلیلی داشت. خمینی می‌گوید "مردم برای اسلام انقلاب کردند" شعار برای نان و مسکن و آزادی! کتابسوزانی که در زمان خمینی شد دست و پای حزب اللهی موذوع سیوسه ما شد. کتابسوزان و سوزاندن کتاب از طرف اقوام سپاه خمینی برای صورت گرفته سطح عقلانی ترانه و معمول نیست مقایسه شد. مگر نه این است که خمینی سرشناس آن مرد رخرب است که دو خمینی بدانیران آمده سوزاندن کتب سپاه را دو اسلامی این بود که "کتابها کتاب الله" یعنی کتب جنایتی ما کتابی است! و بر خمینی اساس است که اگر بر روزی، جانی معروف و ساکنی رژیم شد - که ما حدس ما درست شد خمینی را اعلام کردیم - آخر اگر شده است "سال محصلی آینده سال جانشینی حزب اللهی در مدارس است". (اطلاعات اول شهریور)

- در سیاست موعود "خمینی گروهها و سیروهای کمونیستی و انقلابی با سیاست و با سود بسیار سرا دور، دور سرمایه داران و حامیان حزب اللهی آسیا بیت که شده سال "امام بار" سه دار "سر حرکت" آورده است. اسم سوزن مسیرند. روزنامه‌ها و تحت - های آزاد سرجمعا با شدت نفی سود. از مجالس و "تحصنها و سوراخهای انقلابی و مترقی هم سیراست" تحت شکست. زیرا اینها همه خلاف شرع خمینی است.

- مشخص تداشد فروش و سلاخی و اجرای احکام ارتجاعی بر اساس لایحه قصاص، با شدت و بیهانه است. زندانی و اسیر را با شدت. اگر جنگ انقلابی و کمونیست مجروح سود با او را کشت!

- اگر کسی در سایه اساس مسلمان سر دولتی بر اساس تحقیق و تحقیق علمی و درک منافع کارگران و زحمتکشان از این عقیده برگشت، مرتد است و خونش حلال. حتی جنازه‌اش را در گورستان عمومی مسلمانان شاید دفن کرد. شکنجه‌اش هم حلال است!

- در سیاست خمینی حقوق انسانی یک غیر مسلمان در کنار یک مسلمان برابر نمی‌باشد.

- در سیاست موعود خمینی، زن نصف آدم می‌ارزد. زن در حد یک شئی قابل خرید و فروش جهت بردگی بیشتر

بقیه از صفحه ۲ "گزارشی از ..."

آمده است.

"در جلسه روز سه شنبه ۲۲ رمضان ۱۳۹۰ در مسجد دلاور خلق که توسط اول از کارگران اخیر سپاه سود، سپرس گرامی داشت. آموزش از درس است که آنان با خون ساک خویش به ما دادند. سپرس سرکرده است. ادامه سرسپرده راهی است که آنان ترسیم ساخته‌اند آنرا سایان برند. سپرس مجلس از آن میدان، وفاداری به آرمان رهایی کارگران و زحمتکشان است که آنها جان خویش را در سودای محقق آن گذاردند.

ما هر روز آن میدان، سوگند یاد می‌کنیم که راه آن قهرمان را با شدت آخر ادامه دهیم. شعار نوار پیش در سرا نداشته است سرکوب سرکرده و سلطنتی رژیم مقاومتی سلوک وارد نشده است. در این راه دامان خلق و جانبازان دهای کارگران و زحمتکشان، جانبازان دهای کمونیستها و انقلابیون مبارزه کنونی سرورش انقلابیون و نیروهای دیگری باشد. با ما به آخر سدا این را دوام داریم".

رفقا!
با تقدیر از کمک‌های مالی شایان توجه و گرانبهای شما،
کمک‌های مالی خود را از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایید.

می‌فرستد اما آرمانهای شرح میدان کمونیست که در مبارزه برای رهایی طبقه کارگر مقاومتی و سردی سلوک وارد ساخته‌اند، شعور مرجعی شرح تدریجی اعزام دستگاه امام این جنبش شورای ساخت و سرداخت سرمایه‌داری را از بیرق این جلادان خون‌آشام از سر زدای این امام با رهایه و دار رهاسازد و سیاسی در جو کارگران و زحمتکشان ساکنند. جمهوری دموکراتیک خلق سرو سرا به جمهوری اسلامی سا شود. آقایان سپاری سوسیالیسم را با آتش سا رسیم اگر دد. سرا سا حامیان خمینی این باغبان در وجنس بهشت و این مالک را سنین دوزخ کسوی ایران، همراه با حامیان طبقاتی، بدست سوانای شوده‌ها، در اعتلای زمانه‌دان تاریخ فروخواهد افتاد. آن روز حتمی است.

بقیه از صفحه ۲ حسن سیری می‌شد. بنی در سیاست خمینی بعنوان یک است که مثل و مساوی انقلابی با دمکراتیک سپاه رسیده ساخته می‌شود.

- در سیاست خمینی مالکیت شخص خدی با دولتی اگر کسی بدگوشه‌ی را اموال با آورده دیگری دست بدولو در حد در بدی یک آقا بسته با بدست او را قطع کرد. احکام سرمدی دست و پا، سنگسار کردن و کسی اسرای انداختن و حوالی انقلابی محرم بحث انقلابیه با سرکت در بخش هراب، انداختن با طرسا دادن بدیک انقلابی محت تعصب، با کمک مالی بدیک سازمان انقلابی و کمونیستی - خرید در خم که در خرید با شد ... همه در امر با وسیعا سیاست خمینی است. اینها در دور دیا هم با بدیدند است.

- در سیاست خمینی، همه با بدآنا ده و سوسیدن سرسپاه با سیدا ارزیم سرمایه‌داری خمینی حفاظت سود. خمینی ظاهرا قصد را مسالمتی سرعی و، جنبش مترقی مسکند مسل سرکت در انجمنها با جامعه خمینی کردن جانبازدها غلبه در زندان انقلابی و کمونیست - مان ولی در باطن، همه این سرسکار رسیا و احکام سرعی جروسلطه‌ای برای سیاست حاکمیت سرمایه‌داری است.

- در سیاست خمینی احساسات و عواطف مذهبی سوده‌ها با ریخته رژیم ارتجاعی خمینی است و او خرطور بخواهد و در را در سیاست رژیم سرمایه‌داری از آن احساسات استفاده ممکن است هر چیزی که در سرور حلال سود می‌تواند سرور حرام باشد و با تمکین، دنبال است در سیاست برای ارسی در کند سود واجب سود، امر و ر حرام است. برای دادن زمان در سرور حرام سود امر و ر واجب است. مسار در غلبه جنبان در سرور واجب سود امر و ر حرام است. در سرور زندان سد سود امر و ر خطی لازم است. مگر نه هم که خمینی در قانون اساسی جبرگان مصوب سود امر و ر واجب شده است. خمینی با تحمیل سوء استفاده از مرتعجب مذهبی خود و احساسات سوده‌های با آگاه و با ضرب دکمک نموا با رها از مردم برای گرفته است. کسی که در رهایی برای بدهد محاربه با خدا است و مسئول خمینی "زن در حامیان حرام است و با بد مسئول سود"!

- در سیاست موعود خمینی احساسات مسادری و جانبوادگی هم با ریخته است. خمینی مردم را به جانبوسی غلبه بکر مسخواهد و در حضرت با واک ساه، با روی هم ریختن سخاوت با واکنشهای با رد بکار رسکند "ساواما" سازمان اطلاعات کشور را با سوجود می‌آورد و از سازمان اطلاعاتی ۳۶ سلسوبی دم مسرند! امام با رها سود و آرا شد روشن است که خمینی انقلابیونی که در صفوف سکحد و اعدام قرار دارند و سوده‌هایی که جانبر بدانی حساب سد مسرخر سازمان اطلاعاتی سازد مسکند!

خلاصه این سیاست، مرا با وسیعا رمادو دارد: سخای "جوی سیر و تسل" در آن ارجوی انقلابیون و کمونیستها و خلقهای سد بدد ایران، جوسیا ساری است. با کسان این سیاست را سرمایه‌داران رسوکران مکتبی آسیا سکمل مسد که خلاصه آنان همواره "در حد دست "آماده‌ا با کارگران و زحمتکشان انقلابی رمها و را به "حرم" ملعد و محاربه بودن به مکتبی از گورستانهای ۶ گانه‌ای که وعده‌اش را داده‌اند مفرسند. خمینی دست رژیم با در آنا دکردن فرستاد سپاه اریخت بسته است. هم اگر رژیم احساد پاک و خونین کمونیستها را به "آرامگاه بلشویکها" که در زمان رژیم به گورستان تبدیل آنها دسترسی وجود است

www.iran-archive.com

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بقیه از صفحه ۱۲ قیام ...

سرمایه‌داران و استبدادزدگان توده‌ها. ماهیت مسلح سرمایه‌داران را تنها توده‌های مسلح است که میتوانند درهم بشکنند. هیچ انقلابی بدون قهر مسلحانه توده‌ها امکان پذیر نیست. تنها بورژوازی و مزدورانش میدانند که بدون انقلابی و تعمیق کننده نیروی مسلحانه میماند. روبزپیرها این بورژوازی ارتجاعی در لباس مارکسیسم، همواره کوشیده‌اند برای نجات امپریالیسم و سرمایه‌داری از مرگ، امکان نابودی سرمایه‌داری از طریق مسالمت‌آمیز، پارلمانی و ... را موعظه کنند. از برنشتین تا کائوتسکی و خروشچف و سرزیف و ... همه لکی های مزدورشان همواره امکان نابودی سرمایه‌داری را از طریق مسالمت‌آمیز موعظه کرده‌اند. اما آموزشهای مارکس، انگلس، لنین و استالین و تجربیات تمامی انقلابات تاریخ، رسوا کرده‌اند این سرمایه‌داران در لباس مارکسیسم است. لنین در پاسخ به تحریفات روبزپیرهای خائن در کتاب دولت و انقلاب" با قاطعیت اعلام میدارد که قهر مسلحانه توده‌ای و اساس مارکسیسم و قاعده عمومی در تمامی انقلابات تاریخ است. لنین به نقل از انگلس در ستایش از انقلاب قهری چنین می‌آورد: "... درباره این که قوه قهریه در تاریخ نقش دیگری نیز ایفا میکند (علاوه بر عامل شریر بودن) که همانا نقش انقلابی است درباره این که قوه قهریه، تنها به گفته مارکس، برای همه جامعه کهنه‌ای که آبستن جامعه نوین است مترادف ماست. درباره این که قوه قهریه آنچنان ملاحظه که چنین اجتماعی نیروی آن را خود در اختیار میگذارد و شکلهای سیاسی منحرف و مرده را در هم میشکند، درباره چنگ اراده‌های دوربینک سخن نمیگوید" (دولت و انقلاب) و لنین کمی دورتر در حق انقلاب روسیه چنین گاتوسکی میگوید: "ضرورت مرکزیت سیاسی توده‌ها تنها کسی که این نظریه و همانا با این نظریه انقلاب قهری مطابقت داشته باشد، همان کسی است که دیالکتیک تمام آموزش مارکس و انگلس را تکمیل میدهد". (همانجا - تاکید از ماست) بدین ترتیب موجه میشویم که در مارکسیسم قهر و انقلاب قهرآمیز نقش اساسی مقام سرآرحی دارد و مارکسیسم روی هرگونه تلاش طفیلی فلم‌بقلان می‌کند. در شرایط کنونی جهان، تنها در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری، در زمانی که امپریالیسم بیش از پیش متحمل شده و برای نجات خویش بیش از پیش به سلاحات و نظامیگری روی آورده و سوروزاری حاکم در کشورهای گوناگون جهان (چه سوروزاری کشورهای امپریالیستی و یا سوسیال امپریالیسم و یا دیگر کشورهای بورژوائی و یا سوروزاری - رویزیونیستی) برای نجات خویش از انقلاب پرولتاریائی به سرکوب تکیه زده‌اند، بیش از پیش، نجات آموزشهای پرولتاریا سوسیالیسم را متوان دریافت.

قهر انقلابی توده‌های مسلح، قاعده عمومی انقلاب در تاریخ و ناشی از اساس مارکسیسم است. ماهیت دولتی سوروزاری باید خرد شود. همان سرکوب طبقات استثمارگر باید درهم کوبیده شود و دولت نظم‌نوین، حاکمیت زحمتکشان و بالاخره دیکتاتوری پرولتاریا برای پایان بخشیدن به حاکمیت استثمارگر و نیز برای پایان بخشیدن به هرگونه دولتی و از بین بردن طبقات باید مستقر گردد و در این راه هیچ چیز زیباتر از خون زحمتکشان که با آتشبار کلوله‌ها بر روی سوروزاری آغاز میشود، نیست. کمونیستها از سکوت دردای پرشوری که کارگران و دیگر زحمتکشان تحت رهبری کمونیستها با دکاکاها و زرادخانه‌های سرمایه‌داران و امپریالیستها یورش میبرند و بوبخانه‌های ارتش سرخ کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داران را درهم کوبید، احساس غرور و افتخار میکنند و سوروزاری را احساس ناقوس مرگش در فردای سرخ آزادی کار، هم‌اینک بر خود میلرزد. آری بگذار آتش مسلسلهای کارگران سینه سوروزاری را بدرد و توپهای کارگران و زحمتکشان ارتشهای نیرومند امپریالیستها و سرمایه‌داران را بر اندام آورد. روزه‌های رویزیونیستها هرگز نخواهد توانست ارد رهم کوبیده شدن سوروزاری جلوگیری کند. کمونیستها عاشق خونریزی نیستند، اما برای از بین بردن سرکوب و استثمار و کشتار و شکنجه و زندان، مجبورند کلوله‌های بورژوازی را با گلوله و آتش و خون را با مسلسل پاسخ گویند. تنها و تنها با این راه خواهد بود که در فردای پیروز کمونیسم در سراسر جهان دیگر از کشتار و سرکوب و تیرباران و شکنجه خبری نخواهد بود. برای رسیدن به این هدف باید آن طبقه‌ای را که جز استثمار و سرکوب چیزی به ارمغان نمی‌آورد و دولت حامی آنرا با قهر مسلحانه درهم کوبید، با طرزهای کارآ و راستا حتی جامعه نوین فردا است که کمونیستها عاشقانه برای انقلاب میرزمند و در این راه عاشقانه قیام مسلحانه توده‌ها را تدارک می‌بینند. آری کمونیستها عاشق انقلابند. چرا که برای رهائی زحمتکشان پیکار میکنند. بیش زنده‌باد انقلاب! زنده‌باد قهر مسلحانه توده‌ها! زنده‌باد آتش سمک. آنهمگام که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان آنرا بسوی دشمن استثمارگر میرون آورند! زنده‌باد درب سیاسی کارگران و زحمتکشان که تنها از لوله تفنگ بیرون میآید! زنده‌باد آن تفنگی که در کنار داس و چکش کارگران قرار گیرد! زنده‌باد آن تفنگی که چکش کارگران رهبری باشد! پیروزباد آن ارتش سرخی که با پیروی مسلح توده‌ها تحت رهبری طبقه کارگر امپریالیسم و سرمایه را بگور خواهد سپرد!

۲- قانونمندی قیام و جنگ مسلحانه توده‌ای

اما اگر قهر مسلحانه، قاعده عمومی هر انقلاب و شالوده مارکسیسم است و همانگونه که لنین میگوید موردشناس کمونیستها است، آیا این بدان معناست که در هر کجا که بخواهیم میتوانیم به این قاعده عمومی و اساس "ماهای جامعه نوین" متوسل شویم؟ مارکسیسم - لنینیسم برچنین بیماری کودکی و چپ شمائل سازی خرده‌بورژوائی از تئوری مارکسیستی جنگ مسلحانه خط بطلان میکشد. مارکسیسم میگوید، مبارزه مسلحانه امری ناگزیر و اجتناب ناپذیر است. مارکسیسم میگوید، مبارزه مسلحانه عالیترین شکل مبارزه انقلابی است. مبارزه مسلحانه توده‌ها، جنگ کمونیستها است. اما اینها یک کاسیکار خرده‌بورژوا که تحت فشار سرمایه ارتشی سانسور شده است، این تئوری را بدسکونه می‌فهمد که در هر موقع دلش خواست یا در هر موقع بیش از پیش تحت فشار قرار گرفت و در هر موقع مشابلات آتشین او راهی برای ارضاء می‌یافت، با بیمیلی دست به اسلحه میبرد. تئوری جنگ مسلحانه یک تئوری علمی است در منطبق با واقعیات سرکوب کردار دنیا با ذهنیات برآشفته و خشمگین خرده‌بورژوا ها. آری، جنگ مسلحانه ما مای هر جامعه برای متولد کردن جامعه طراز نوین است. اما هر ما مای مبتدی نمیداند که هر موقع که دلش بخواهد نمیتواند مرزایمان را به پیش ببرد. روشنفکر انقلاب یک روند قانونمند است با ذهنیات خسته نمیتوان به جنگ این روند رفت. بلکه با پستی این روند را شناخت و آنگاه آگاهانه در آن شرکت داشت. کمونیستها معتقدند که انقلاب کار توده‌هاست و تدوین تشکیل مبارزه خود را مطابق سطح جنبش توده‌ای ترمیکرسند و با سرکردار بهای آگاهانه‌شان میکوشند پیوسته مبارزات توده‌ها را ارتقا بخشند و آنها را متشکل و آگاهانه اشکال عالیتر جنبش بکشانند و یا آنها را در همه مبارزاتشان رهبری می‌کنند. مارکسیسم - لنینیسم سرآغاز پیروزی مبارزه مسلحانه عمیقا واقف است و میداند که دوره‌هائی در تاریخ یک تاریخ معین پیش می‌آید که توده‌ها قهرمانانه به مرگ را پذیرا میشوند. و فوج فوج در مقابل تانکها می‌ایستند و بی آنکه قدمی به پس بگذارند دلاورانه می‌جنگند. این دوران مرحله‌ای است که پاشیدن هما دیگر نمیتواند حاکمیت استثمار و سرکوب طبقات استثمارگر را تحمل کند و رهبری پرولتاریا را آنقدر داغ کرده است که تا لاشیها سرنمیتوانند مانند سابق بر پاشیها حکومت کنند. بحران عمیق همه عرصه‌ها، اقتصادی و سیاسی و ... جامعه بیمار را شدیدا درهم نوردیده و توده‌ها برای انقلاب بپا خواسته‌اند درهمین رابطه لنین میگوید: "قانون اساسی انقلاب که تمام انقلابها و از جمله انقلاب روس در بیشتر بیستم آنرا تائید نموده‌اند از این قرار است: برای انقلاب کافی نیست که توده‌های استثمار شونده بخواهند در شرایطی که توده‌های استثمار شونده سابق می‌میرند و تغییر آنرا طلب نمایند، برای انقلاب ضروری است که استثمارگران نتوانند به شیوه سابق زندگی و حکومت کنند. فقط آن هنگامی که "پائینی ها" نظام کهنه را بخواهند و "بالائی ها" نتوانند به شیوه سابق ادامه دهند، فقط آن هنگام انقلاب میتواند پیروز گردد."

(بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم)، در چنین شرایطی بایستی به تنها با تمام توانمندی از قیام مسلحانه (و در کشورهای پیشرفته دوال - پیشرفته) جنگ مسلحانه توده‌ای (پرچاست. بلکه در مواقع ضروری دست به سرورسرخ (برای نابودی سران با اهمیت ارتش و دستگاه بوروکراسی) زد.

آری، مبارزه مسلحانه ناگزیر است. اما تنها پس از اینکه چنین توده‌ها یک روند ما سوسیالیستی کرد. پس از آنکه از پس یک بحران عمیق که سرمایه‌داری پوسیده هر چه کاهش یکسان رسوی آن گام برمیدارد، توده‌ها مبارزه کنند و مبارزه یک سرآمد وسیع بسوی موقعیت انقلابی آورد. موقعیتی که توده‌ها دیگر حاضر نیستند هر گونه جانبازی برای امر انقلاب کردند. از این دورانها فراوان در تاریخ جهان سراغ داریم. دوره‌هائی در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه و همینطور از ۱۷ شهریور ۵۷ بعد در میهنمان را متوان نمونه‌وار ذکر کرد.

کمونیستها مستی کودتاچی و یا توطئه‌گر نیستند. آنها به ضرورت جنگ مسلحانه معتقدند و مسئله کسب قدرت سیاسی را در ارتباط با طبقه و توده‌ها میبینند. آنها انقلاب را برای توده‌ها و بدست توده‌ها میخواهند و میدانند که هر حرکتی جز این، هر گونه انقلاب را بر خود خواهد گرفت. انقلاب را با بیمیلی توده‌ها به انجام نرساند. بین پائینی توده‌ها را برای انقلاب آماده کرد. جریان مدعی توده‌ای را مورد توجه قرار داد و مطابق با آنها تاکتیکهای خود را متمرکز بر اشکال مشروع مبارزه طبقاتی را بحد مرکب و در هر دوره‌ای یکی از اشکال عمدتا موجود دانست. انواع مبارزات اقتصادی، اعتصابات اقتصادی و ... انواع مبارزات سیاسی، تظاهرات و اعتصابات سیاسی و ... سرانجام در

بقیه در صفحه ۶

قیام و جنگ مسلحانه توده‌ای یا ترور بسم جدا از توده

اکنون ما در دیگر سرور و ما را راست چریک شهری به صورت یک مسئله اساسی در جنبش انقلابی ما در آمده است. مسئله‌ای که شایسته است تا طرح شد اندن عمیم بودن در عمل، در یک مرحله از تاریخ مبارزات انقلابی میهن ما (از سال ۲۹ ببعد) برای زحمتکشان شهر و انقلابیون ما اکنون به صورت مسئله‌ای کهنه و حل شده طرح میگردند. اما متاسفانه به سادگی دلایلی که در اینجا بدان سعی بپردازیم، این مشی که اساس جنبش آنها انقلابیگری خرده بورژوازی است، باز دیگر به صورت یک انحراف مهم در جنبش انقلابی ما رخ نموده است و هم آنان که با دیدی ژرف‌تر و بی یک سعی و رهبری ار مبارزه برای سرنگونی کل قدرت سیاسی سرمایه‌داری است جنبش بوده و آنگاه با بسیاری و بسیاری سلوبی به حساب آورده‌اند و بر جاسه بودند (و امروز نیز خود را هم جنبش و محدودی صدر جاش قرار داده‌اند) اینک علمدار انقلابیگری خرده بورژوازی گردیده‌اند و این هم البته تقصیر نیست. نیروهای مزلزل خرده بورژوازی و با کمونیستهای آلوده به انحرافات زیر بوسیسی، ماهرانه کمیک بورژوازی به سوی و سیع و ساب خوردن می‌اندیشد، هرگاه که سیر بورژوازی ساب سرکوب جنبش و آنگاه را در پیش میگیرد. حداقل آن بحثی که بدان اشاره شد و یا سیستم دچار رهبری در سیاست و یا کمیک به راست منحرف میگردد، نیروهای منحرف دیگر روسوی آنها رسیم می‌کنند و بجای رهبری مبارزات توده‌ها و سیع و آماده کردن آنها برای پیکار قطعی، به سیر دین بیش جدا از توده معمول میپوشند، و آنگاه که بورژوازی در ظاهر روی خوش نشان میدهد و در "تاخیر" اعلامات و رفرم‌ها را می‌نماید. این نیروها آنگاه را به رفرمیسم و مداحی تسلیم و غیر مستقیم بورژوازی مشغول میشوند و جنبش است سرسوت مبارزات مقدس خلق که روزی مسلماً بیش را در اختیار مبارزات ارتجاعی مشکل است با امپریالیسم محکمند (در جریان حمله هوایی‌های آمریکائی به طبس اوروزی لشکر ما بس را در جهت هوا کشیدن برای دانستن حزب جمهوری اسلامی در جریان کروکاری کشوری در اطراف جاسوسخانه آمریکا کردمی آوردند روز دیگر مسلماً بس ساختمانی لشکر مستقیمهای بی صدر لیبرال بود و کاردوخاطب ارسیرا سیاهی چون ۱۴ است. و امروز هم سازمان در گیر جنگ جرگی با حزب جمهوری اسلامی. ما بیش از این در بریه شماره ۱۱۲ (نظر خود را درباره ما درمتنی مشی جرگی جدا از بود ارائه داده‌ایم. اینک ما بدنه آن بپردازیم تو صحیح بیش مارکسیستی در مورد جنگ مسلحانه است. چرا که سیاه و سیاه مارکسیسم است که به سیمین علمی جنگ مسلحانه و ارزش واقعی آن در تاریخ تکامل جوامع بشری پرداخته است و انقلابیگران خرده بورژوا نیز به یک گیجه برداری نا شیاسه از آن دست میزنند و جوهر واقعی و انقلابی آنرا تحریف میکنند و به رویزیونیست

ـ های خاص و بورژوازی فرصت میدهند تا به این سیاه جنگ مسلحانه این "ماجرای جامعه‌شویی" را البته مرور زمانه در هشت سر دشمن به تن چریکی بیاد حمله میکنند. در حالیکه در مارکسیسم جنگ مسلحانه بر پس وجدا از توده نیست بلکه طوفانی است توده‌ای که عزاز و توده سیاه دستم پوشیده و کهنه را درهم میکوبد و ابزار سرکوب طبقات ستمدیده بعنی یا شین دولتی را خرد میکند و درهم میباشد. در مارکسیسم فقط مبارزه سیاسی و مسلحانه خودکارگران و زحمتکشان است که قادر است نظم کهن را برهم زند و انقلاب را تحقق بخشد لنین کبیر میگوید: "هیچگونه همدردی" افراد متمایل کرده با کارگران و هیچگونه مبارزه دلیرانه تنها و بیست ـ های مسلحانه و سیاه کاران حکومت مطلقه، تزار و قدرت مطلق سرمایه‌داران لطمه وارد نسازد. فقط مبارزه خود کارگران و فقط مبارزه مشترک میلیونها نفر قادر به انجام این عمل بوده و بعنی اینکه چنین مبارزه‌ای روبه‌ضعف گذاشته ملاقاته پی گرفتن آنچه که کارگران بدست آورده بودند آغاز گردیده است"

(درسهای انقلاب)

آری اگر ما با ترور بسم مخالفیم، بدین خاطر است که عمدتاً بدشوری مارکسیستی قهرانقلابی به عنوان "ماجرای جامعه‌شویی" و ما داریم و هرگز جا را دیگر اجازه نمیدهیم داده مکراتهای خرده بورژوا با کمونیستهای آلوده به رویزیونیسم از این "ماجرای جامعه‌شویی" کاریکاتوری خرده بورژوائی بسازند که تنها ارعاب کرنسا بلات آنتی انتقام‌جویانه‌شان باشد.

۱ـ مقام قهر انقلابی در تاریخ

هیچ مکتب انقلابی را در سراسر تاریخ نمیتوان یافت که عمدتاً بدشولوژی طبقه کارگر به سیستم مقام واقعی جنگ مسلحانه پرداخته باشد. طبقات ستمدیده و استثمار شده در سراسر تاریخ آنگاه که کار به استخوانشان میرسید، به ناچار به نبرد مسلحانه با برده‌داران با فئودالها می‌پرداختند. اما این وظیفه آموزگاران طبقه کارگر بود که نقش واقعی قهر انقلابی را برای طبقه رزمنده کارگر و متحدینش در انقلاب روشن سازند. مارکس و انگلس در بسیاری از آثار خود به این مسئله اساسی و بنیادین مارکسیسم پرداختند. آنها روشن کردند که دولت فشرده و چکیده طبقه مسلط اقتصادی است و زمان هنگام که جامعه طبقاتی شکل میگیرد، دولت نیز بعنوان ارگان سیادت طبقاتی و بعنوان ابزار سرکوب طبقه مسلط اقتصادی پدید می‌آید. دولت حامی طبقه استثمارگر است. دولت نگاهبان وحدت منافع طبقه استثمارگر است و اما این دولت چیزی نیست مگر بوروکراسی و ارتش دائمی و بخصوص قدرت واقعی در این دولت بیش از همه متوجه نیروهای مسلح است. پس دولت بیش از همه لشکری

ـ نایین دستان مسلح است که وظیفه‌اش سرکوب طبقات ستمدیده است. زندان، شکنجه، تیرباران، بیدادگاههای ارتجاعی و... همه و همه در خدمت آن است که استثمار زحمتکشان بوده و قلمیتی ما حب ابزار را بوجود آورده باشد. دولت در جامعه طبقاتی ماری است که سر یکانه کج واقعی در این جامعه یعنی دستمزد زحمتکشان نگاه اساسی میکند و کارش مجازات هر آن کسی است که بر علیه استثمار زحمتکشان و سرکوب و کشتار انقلابیون به مخالفت برخیزد و بدین صورت است که مبارزه طبقه ستمکش برای رهائی از طبقات استثمارگر نتها و تنها ارگانال مبارزه برای سرنگونی دولت طبقه استثمار ـ گر و حرکت در جهت برپائی دولت رهبر و منحصر ـ ی با رهبری استثمارشدگان یعنی دیکتاتوری پرولتاریا میگذرد (که البته در جوامع مبتنی بر استثمار ایجاد دولت گذار یعنی جمهوری دموکراتیک خلق میباشد که در کرد.)

اگر طبقات استثمارگر، لشکر یا شین دستان مسلح دارند که وظیفه‌شان سرکوب استثمارشدگان است پس چگونه زحمتکشان با ستی رهائی یابند؟ مگر نه اینست که نیروهای انقلابی استثمارگران با بدنا نیروهای انقلابی زحمتکشان درهم شکسته شود؟ آنا کارگرانی که در هر اعتصاب با فتوای مسلح بورژوازی رو در رو هستند و با هر نظام هر اسکلوله‌های مکهای هار سرمایه‌داران سینه‌شان را می‌دهند و در مبارزه‌شان برای رهائی از استثمار خود را با بداران استثمار روسم مواجه هستند. میتوانند با "صلح و صفا و آرامش" و یا با "خواهش و تمنا" در "استثمار و سرکوب را از بین ببرند؟ به هزاران بار نه! استثمار مایی کارگران و زحمتکشان از استثمار و بندگی سرمایه‌دارانی و حاصل دسترنجشان را از حلقوم سرمایه‌داران و امپریالیستهای جلاد بیرون میکشد که حامی سرکوب آنان را درهم بشکند. دولت طبقات استثمارگر، آلت ظلم و سرکوب، کشتار و زندان و حقارت بر صدر زحمتکشان است. این دولت انگلی است پوسیده که باید از جلوی راه زحمتکشان برداشته شود. این دولت کهنه باید جایش را به قدرت سیاسی کارگران و زحمتکشان سپارد قدرتی که جای سرکوب کارگران و زحمتکشان، سرمایه‌داران و بادی امپریالیستها را سرکوب کند و دولتی که از آن کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بر استثمارگران سرکوبگر باشد.

اما قدرت سیاسی تنها از لوله تفنگ بیرون می‌آید.

ماشین جنگی سرمایه‌داری را تنها با یک مسلحانه توده‌ای درهم شکست. انقلاب عمل زحمتکشان مسلح با چوب و تفنگ بر علیه بعنی دیکتاتوری اقلیت است. انقلاب مفهومی ندارد مگر درهم شکستن ماشین دولتی

بقیه در صفحه ۱۱

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

www.iranarchive.com